

ابرین مقدسین رویدادی بی نظیر

برگرفته از بیانات مرجع عالیقدر
حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی مدظله العالی

گردآورنده: میرزا مجتبی حیدری

الحمد لله
الرحمن الرحيم

فہرست مطالب

عنوان	صفحہ
بخش اول: اربعین مقدس حسینی در کلام حضرت آیت اللہ العظمی شیرازی.....	۹.....
دعای اہل بیت علیہ السلام در حق زائران امام حسین علیہ السلام	۱۱.....
اہمیت زیارت امام حسین علیہ السلام	۱۲.....
زیارت اربعین یکی از ویژگی های امام حسین علیہ السلام	۱۴.....
ارزش والای زیارت اربعین.....	۱۵.....
افرادی کہ توان تبلیغ و رساندن حقایق را دارند مسئول هستند.....	۱۸.....
اربعین حسینی و سکوت رسانه ها.....	۲۰.....
وظیفہ ما در قبال اربعین حسینی.....	۲۲.....
اربعین حسینی و ہدایت فرہیختگان غیرمسلمان.....	۲۴.....
فضیلت پیادہ رفتن بہ زیارت امام حسین علیہ السلام	۲۶.....
زیارت امام حسین علیہ السلام در حال خوف.....	۲۸.....
دو نکتہ درباره میزبانی از زائران کربلا.....	۳۰.....
دو بایستہ یادآوری.....	۳۲.....
بخش دوم: شرح عباراتی از زیارات امام حسین علیہ السلام	۳۹.....
شرح مختصری بر عبارت: ارادۃ الرب فی مقادیر امورہ.....	۴۱.....
تخلق بہ صفات إلهی.....	۴۲.....



- ۴۵.....سعادت ابدی.....
- ۴۷.....شرح مختصری بر عبارت: وبذل مهجته فیک لیستقذ عبادک.....
- ۴۸.....تبیین اهداف امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین.....
- ۵۰.....تحقق اهداف امام حسین علیه السلام.....
- ۵۱.....شرح مختصری بر عبارت: إن کان لم یجبک بدنی عند استغاثتک.....
- ۵۲.....لبیک جهانیان به ندای استغاثه.....
- ۵۳.....استغاثه امام این گونه بود.....
- ۵۵.....وظیفه چیست؟.....
- ۵۶.....شعائر امام حسین علیه السلام و جهانی شدن.....
- ۵۹.....شرح مختصری بر عبارت: وضمن الأرض ومن علیها دمک وثارک.....
- ۶۰.....مسئولیت انتقام خون امام حسین علیه السلام.....
- ۶۱.....ضمانت زمین و زمینیان.....
- ۶۳.....کیفیت انتقام زمین.....
- ۶۴.....ضمان و مسئولیتی فراگیر.....
- ۶۶.....بررسی مقصود عبارت (من علیها).....
- ۶۷.....راز دوبار لعن کردن معاویه در زیارت عاشورا.....
- ۶۹.....شرح مختصری بر عبارت: السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره.....
- ۷۰.....معنای ثارالله.....
- ۷۱.....شرح مختصری بر عبارت: اللهم اجعلنی عندک وجیهاً بالحسین علیه السلام.....
- ۷۲.....آبرومندی ربانی.....
- ۷۵.....شرح مختصری بر عبارت: أشهد أنّک طهر طاهر مطهر.....
- ۷۶.....از نسل پاکان.....



- شرح مختصری بر عبارت: **والسبیل الذی لا یختلج دونک**..... ۷۹
- کفالت امام حسین علیه السلام..... ۸۰
- از امام حسین علیه السلام چه بخواهیم؟..... ۸۱
- شرح مختصری بر عبارت: **وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ**..... ۸۳
- گام های راستین..... ۸۴
- شرح مختصری بر عبارت: **اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد**..... ۸۹
- زیستی چون زیستن آل محمد صلوات الله علیهم..... ۹۰
- اخلاص، سعی و اخلاق..... ۹۱
- درس ها و حکایت ها..... ۹۴
- تقدم شعیره زیارت اربعین امام حسین علیه السلام..... ۹۴
- پاداش بی مانند..... ۹۵
- برتری کربلا بر مکه..... ۱۰۰
- غبار زائران سیدالشهدا علیه السلام..... ۱۰۳
- معرفت دو زائر..... ۱۰۶
- مقدس اردبیلی رحمته الله و شستن لباس زائر..... ۱۰۷
- جزای بی احترامی به زائر امام حسین علیه السلام..... ۱۰۸
- شرم از امام حسین علیه السلام..... ۱۰۹
- گلوژه های اربعین مقدس حسینی..... ۱۱۱
- دست نوشته های حضرت آیت الله العظمی شیرازی به مناسبت اربعین حسینی ۱۴۳۷ هـ ق..... ۱۱۹



- پیام قدردانی آیت الله العظمی شیرازی از تمام شرکت کنندگان در
 برگزاری مراسم اربعین حسینی ۱۴۳۷ق..... ۱۲۲
- پیام حضرت آیت الله العظمی شیرازی به مناسبت اربعین حسینی
 ۱۴۲۵ق..... ۱۲۶
- تأمین معیشت زنان..... ۱۳۵
- جایگاه والای زن در خانواده..... ۱۳۷
- جایگاه اجتماعی زن..... ۱۳۸
- زن در نگاه حاکم اسلامی..... ۱۳۹
۱. آخرین سفارش‌ها..... ۱۳۹
۲. سفانه دختر حاتم طائی..... ۱۴۰
۳. شیماء دختر حارث..... ۱۴۱
- نتیجه..... ۱۴۲
- جوانان در روزگار غیبت..... ۱۴۴



بخش اول:
اربعین مقدس حسینی در کلام حضرت آیت الله
العظمی شیرازی

دعای اهل بیت علیهم السلام در حق زائران امام حسین علیه السلام^۱

در روایات متعددی آمده است که مستحب است برای آنان که در مناسبت‌های سوگواری به زیارت امامان معصوم می‌روند و هر نوع خدمتی که بتوانند عرضه می‌دارند، دعا کنیم.

امام صادق علیه السلام در این معنا فرمودند: هر که به زیارت امام حسین علیه السلام برود «یدعو له رسول الله، وعلی، وفاطمة، والأئمة»^۲ رسول خدا، حضرت علی، حضرت فاطمه و ائمه علیهم السلام برای او دعا می‌کنند.

همچنین آن حضرت فرموده‌اند: «من یدعو لزواره علیه السلام فی السماء أكثر ممن یدعو لهم فی الأرض»^۳ آنان که در آسمان برای زائران امام حسین علیه السلام دعا می‌کنند، بیش از آن‌هایی هستند که در زمین برای آن‌ها دعا می‌کنند.

البته باید توجه داشت که چهارده معصوم علیهم السلام از تمام آسمانیان و زمینیان مهم‌تر و برترند و به همین جهت دعایشان نیز برتر است.

اجر و ثواب شخصی که به زائر خدمت کند بیشتر است زیرا امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند شخصی که به زائر خدمت کند، این عملش از زیارت خود زائر برتر و افضل است. به عنوان مثال، زمانی

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۸ صفر الخیر ۱۴۳۶ ق.

۲. کامل الزیارات، باب چهارم، حدیث ۱.

۳. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۵۲، حدیث ۱.



آن حضرت به یکی از زائران که به دلیل خدمت به سایر زائران کمتر توانسته بود به زیارت برود، فرمودند: «أنت أعظمهم أجراً؛ پاداش تو از آنان اعظم است».

اهمیت زیارت امام حسین علیه السلام^۱

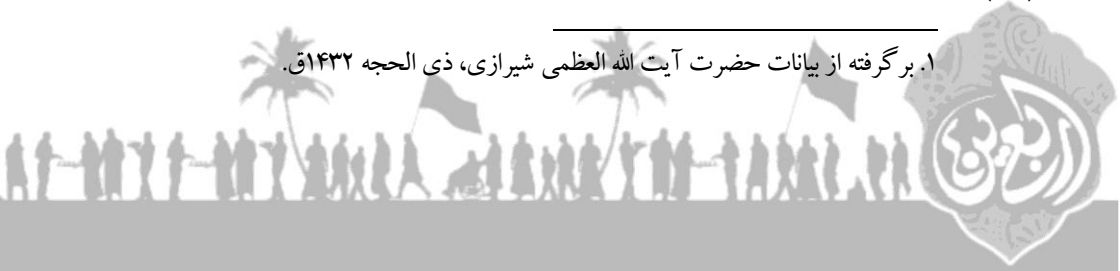
منابع تاریخی و روایات شریفه فراوانی گویای این است که رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام در روزگارانی مانند روزگار هارون، متوکل، حجاج و دیگر حاکمان جائز اموی و عباسی مصداق بارز القای نفس در تهلکه بوده است، ولی حضرات معصومین علیهم السلام در آن زمان نیز رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام را تشویق می کردند.

زائران در آن روزگار دچار شکنجه می شدند و در زندان‌ها جان می سپردند، به دستور متوکل دست و پایشان قطع می شد، اما فرمان آن بود که تقیه نباشد و بی باک از این مجازات‌ها، زیارت امام حسین علیه السلام استمرار یابد. این در حالی است که تقیه در آن روزگار نیز از جایگاه خود برخوردار بوده است.

در تاریخ آمده است که منصور دوانیقی نابهنگام عید فطر اعلام کرد و می خواست بهانه‌ای برای به شهادت رساندن امام صادق علیه السلام داشته باشد، اما اینجا زیارت نبوده بلکه مسأله روزه و حکم خدا بوده و حکم خدا با تقیه برداشته می شود، و لذا حضرت صادق علیه السلام نیز افطار کردند.

(۱۲)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ذی الحجه ۱۴۳۲ق.



وقتی از ایشان پرسیده شد: یابن رسول الله، آیا امروز عید است؟
حضرت فرمودند: خیر.

گفتند: پس چرا افطار کردید؟

حضرت به حکم تقیه اشاره نموده و فرمودند: یک روز از ماه رمضان
(از سر اجبار و حفظ جان) افطار کنم، سپس قضای آن را بگیرم بهتر
است از اینکه گردنم زده شود.

بنابراین واجبات شرعی مانند روزه و حج با وجود خطر و خوف ضرر
و قرار گرفتن در مصداق تقیه، رفع می شود، اما زیارت امام حسین علیه السلام هر
چند مصداق تقیه باشد باز هم تأکید بر آن وجود دارد و این اهمیت
زیارت حضرت را می رساند و می توان گفت؛ در اهمیت زیارت امام
حسین علیه السلام همین بس که در حاشیه علامه مجلسی و علامه امینی بر کتاب
شریف کامل الزیارات آمده است که اگر شخصی به زیارت امام
حسین علیه السلام برود و یقین به کشته شدن داشته باشد، سفر او جایز است.

و در کتابی از آثار مرحوم شیخ خضر که صاحب فضل و شاگرد
علامه بحر العلوم بوده دیدم که به نقل از فقها آورده است که: «اگر زائر
امام حسین علیه السلام یقین داشته باشد که سفر کربلا باعث مرگش می شود،
این سفر جایز است».

بلی، ﴿وَلَا تُقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾^۱ و خود را بادست خود به
هلاکت میفکنید﴾ عام است و این سفر، خاص آن و استثنا شده است.



پس اگر امری عرفا جزء دستگاہ حضرت سیدالشہداء علیہ السلام بوده و مرتبط با آن حضرت باشد، از شعائر حسینی و در امتداد شعائر اللہ خواهد بود و در این صورت اگر می‌بینیم و یا می‌شنویم که از فقہا دربارهٔ شعائر سؤال شده و یا می‌شود و پاسخ‌هایی مانند: جایز است و مستحب است داده می‌شود، به اینگونه سؤال و جواب‌ها اصولاً نیاز نیست، زیرا اگر موضوع، عرفا در امتداد شعائر اللہ شد، مستحب می‌شود.

زیارت اربعین یکی از ویژگی‌های امام حسین علیہ السلام^۱

خدای سبحان منزلت و شأن امام حسین علیہ السلام را چنان بالا برده و آنقدر ویژگی‌های منحصر به فرد به ایشان بخشید که دیگر معصومان پیش از آن حضرت، یعنی: جدشان رسول خدا، پدرشان امیرمؤمنان، مادرشان فاطمہ زہرا و برادر بزرگوارشان امام حسن مجتبی علیہ السلام که از حضرتش بالاتر و برتر بودند را از آن برخوردار نفرمود.

در این باره حدیثی از امام صادق علیہ السلام روایت شده است که فرمودند رسول خدا که جدّ امام حسین علیہ السلام است و امام حسین علیہ السلام افتخار می‌کنند که در راه دین جدّشان جانفشانی کردند، از خدا رخصت می‌خواهند تا به زیارت امام حسین علیہ السلام بروند و خدای متعال به حضرتش اجازه می‌دهد، آن گاه پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم به کربلا رفته و نوادۀ خود را زیارت می‌کند. این یکی از ویژگی‌هایی است که خدای متعال برای

(۱۴)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت اللہ العظمی شیرازی، ۲۸ صفر الخیر ۱۴۳۶ ق.



امام حسین علیه السلام به جهت شهادتشان مقرر فرموده است. از دیگر ویژگی‌هایی که خدای سبحان برای امام حسین علیه السلام قائل شده، زیارت اربعین است، چنانکه در روایت آمده است زیارت اربعین از نشانه‌های مؤمنان است. خدای متعال همه ساله به ویژه در سال‌های اخیر، میلیون‌ها انسان از سراسر جهان و خصوصاً از کشورهای همسایه عراق و علی‌الخصوص از سراسر عراق را به زیارت اربعین موفق می‌کند و آنان به این انگیزه در کربلای معلی گرد هم می‌آیند.

انگیزه‌آفرینان نخستین برای برگزاری شعائر حسینی، از جمله زیارت اربعین، معصومین علیهم السلام بودند که با رسول خدا صلی الله علیه و آله شروع شد و تا امام حسن عسکری علیه السلام و در نهایت تا امام زمان علیه السلام ادامه یافت. به پیروی از این بزرگان، مراجع تقلید و فقهای شیعه، مانند علامه سید بحر العلوم از صدها سال قبل بدین امر فراخوانده و می‌خوانند، چراکه مراجع جامع شروط تقلید به جهت پیروی از امامان معصوم علیهم السلام خود در حدّ توان به زیارت اربعین رفته و شرکت در آن را ستوده و ترغیب کرده‌اند و همواره به آن تشویق می‌کنند.

ارزش والای زیارت اربعین

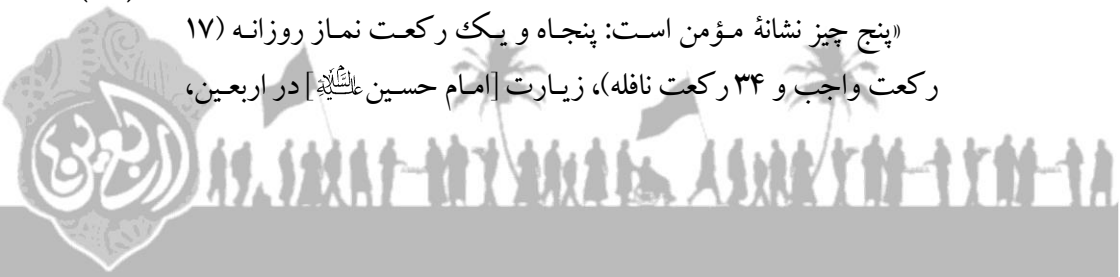
در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام درباره زیارت امام حسین علیه السلام

در روز اربعین آمده است:

(۱۵)

«پنج چیز نشانه مؤمن است: پنجاه و یک رکعت نماز روزانه (۱۷)

رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله، زیارت [امام حسین علیه السلام] در اربعین،



انگشتر در دست راست کردن، [به رسم بندگی] پیشانی بر خاک ساییدن و با آواز بلند بسم الله الرحمن الرحيم گفتن»^۱.

در اربعین با عظمت حسینی انتظار می رود میلیون ها انسان مؤمن از سراسر عراق و دیگر کشورها در سرزمینی که خدایش مقدس گردانده و آن را آفریده تا برترین نقطه بهشت^۲ باشد، گرد آیند و به فیض زیارت حضرت امام حسین عليه السلام نایل شوند؛ زیارتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم عليهم السلام همواره به آن فرا خوانده اند. احادیث متواتری در این باب وجود دارد، از آن جمله روایتی است که کتاب های حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یکی از همسران

۱. إقبال الأعمال، ج ۳، ص ۱۰۰؛ عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۳۷.

۲. حضرت علی بن الحسین عليه السلام فرمودند: خدای متعال بیست و چهار هزار سال قبل از اینکه زمین کعبه را خلق کند و آن را حرم قرار دهد، زمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک قرارداد، و هر گاه حق تعالی بخواهد کره زمین را لرزانده و حرکتش دهد (شاید کنایه از قیامت باشد) زمین کربلا را همراه تربتش در حالی که نورانی و شفاف است بالا می برد و آن را در برترین باغ های بهشت قرار می دهد و بهترین مسکن در آنجا می گرداند و ساکن نمی شود در آن مگر انبیا و مرسلان (یا به جای این فقره فرمودند: و ساکن نمی شود در آن مگر رسولان اولو العزم) این زمین بین باغ های بهشت می درخشد همان طوری که ستاره درخشنده بین ستارگان نورافشانی می نماید، نور این زمین چشم های اهل بهشت را تار می کند و با صدایی بلند می گوید: من زمین مقدس و طیب و پاکیزه و مبارکی هستم که سیدالشهدا و سرور جوانان اهل بهشت را در خود دارم.

أبی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه (المتوفی ۳۶۸ هـ) کامل الزیارات، ص ۴۵۱.



خود فرمودند: «... هر کس او (حسین) را زیارت کند، خدای عزوجل حجّی از حج‌های مرا برای او می‌نویسد. پرسید حجّی از حج‌های شما [ای رسول خدا]؟! پیامبر ﷺ فرمودند آری دو حج از حج‌های من. پرسید دو حج از حج‌های شما؟! فرمودند آری، چهار حج از حج‌های من.

همسر پیامبر ﷺ همچنان پاداش زائر امام حسین ﷺ را زیاد می‌خواند و پیامبر ﷺ بر شمار آن می‌افزودند تا اینکه پاداش زائر سیدالشهداء ﷺ را با نود حج و نود عمره خویش برابر خواندند.^۱

در این مناسبت مهم، هیئت‌های عزاداران سیدالشهداء ﷺ سواره و پیاده از سراسر عراق و از کشورهای دیگر به کربلای معلی می‌آیند تا مراسم سوگواری آن حضرت را - که از مصادیق شعائر الهی است - برگزار کنند و این مصیبت بزرگ را که در این سرزمین بر عترت پاک و یاران خجسته آنان رفته، به ساحت اقدس رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان حضرت علی ﷺ، صدیقه کبری فاطمه زهرا ﷺ، دیگر امامان معصوم ﷺ و به ویژه صاحب این عزا - در این زمان - حضرت بقیت الله الأعظم امام زمان ﷺ تسلیت گویند که همانا این شعائر تماماً مصداق احیای امر اهل بیت ﷺ است که در روایت به آن اشاره شده است.

امام صادق ﷺ به زنده نگاه داشتن امر (قضیه) اهل بیت ﷺ فرمان دادند و برای احیا کنندگان این امر دعا کردند. در روایتی که در همین

۱. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۸؛ ثواب الاعمال و عقابها، ص ۳۲۸.



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

باب از آن حضرت رسیده، آمده است: «امر (قضیه) ما را زنده نگاه دارید، خدای رحمت کند کسانی را که امر ما را زنده نگاه می دارند».

افرادی که توان تبلیغ و رساندن حقایق را دارند مسئول هستند^۱

در یکی از کشورها بودم که یکی از عالمان عامه از من پرسید: از کجایی؟ گفتم: از سرزمین مقدس کربلا. او گفت: واژه مقدس خیلی بزرگ و سنگین است و زمین را مقدس نمی خوانند! گفتم: زمین کربلا را مقدس می خوانند زیرا اگر کربلا و صاحب کربلا امام حسین علیه السلام نبود، امروز در اینجا نماز نمی خواندی. باید دانست و پذیرفت که ماندگاری اسلام به سبب فداکاری امام حسین علیه السلام است. با یکدیگر گفتگو و بحث کردیم و او که معاند به نظر نمی رسید سکوت کرد و شاید هم تحت تأثیر قرار گرفت.

مطالب و حقایق فراوانی بر خیلی ها پوشیده است و بسیاری از مردم ناآگاهند، لذا افرادی که توان تبلیغ و رساندن حقایق را دارند در این معنا مسئول هستند و از اینکه در این راه کوتاهی یا بی توجهی کنند مورد بازخواست قرار خواهند گرفت. پس باید بر پایه مسئولیت ها و توانمندی ها تبلیغ شود تا قداست این سرزمین و قداست شعائر مرتبط با آن برای جهانیان روشن گردد و همگان دریابند که زائر امام حسین علیه السلام

(۱۸)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۸ صفر الخیر ۱۴۳۶ ق.



مقدس و خدمت به زائران آن حضرت نیز مقدس است و اینکه این امور هر جا که باشد تماماً شاعر خداست، چرا که تجلیل از امام حسین علیه السلام تجلیل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و تجلیل از خداست. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند: «من زار الحسین بکربلاء کان کمن زار الله فی عرشه»^۱ زائری که (امام) حسین را در کربلا زیارت کند، چنان است که خدا را در عرش زیارت کرده است.

در واقع خدای عزوجل از امام حسین علیه السلام زیارت، زائر و هر چه با آن حضرت مرتبط است تجلیل فرموده است. کم و بیش دیده و شنیده اید - که عین واقعیت هم هست - مردم از تمام اقشار در این دستگاه و مناسبت اربعین شرکت و خدمت کرده اند و البته بیشتر افرادی که به خدمت زائران و انفاق در راه امام حسین علیه السلام پرداختند از طبقه فقیر جامعه هستند. از میان آنان افرادی بوده اند که مالی نداشتند تا نثار حضرت و زوار حضرت کنند جز خانه مسکونی شان که آن را فروخته و پول آن را هزینه پذیرایی از زائران پیاده اربعین حسینی کرده اند. این افراد کم بضاعت حتی با فروختن منزل مسکونی خود وفا و علاقه خود را به امام حسین علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، به ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه نشان داده اند.

مستضعفان کار خود را انجام داده و نوبت به نیرومندان و اغنیاء رسیده که جوانان در آن سر آمدند و در روایت آمده است که می فرماید:



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

«يعجبني رأى الشيخ وَجَدُ الغلام؛ نظر حکیمانه سالخوردگان و تلاش و پشتکار جوانان را خوش می دارم».

بنابراین باید بی تفاوت نبوده و هرچه در توان دارند در ایام اربعین حسینی به کار گیرند و در این مسیر به امام حسین علیه السلام و زائران آن حضرت وفاداری و فداکاری خود را در خدمت رسانی نشان دهند و از حکومت ها بخواهند که برای رفاه زائران هیچ گونه تسهیلات، خدمات و همکاری را دریغ نکنند تا اگر در جایی از این کره خاکی حتی یک مشتاق زیارت امام حسین علیه السلام وجود داشته باشد بتواند به زیارت ایشان برود و مطمئن باشند که این عمل خیر سعادت دنیا و آخرت آنان خواهد شد.

اربعین حسینی و سکوت رسانه ها^۱

امروزه دنیا در نوعی بی خبری طراحی شده به سر می برد، یعنی ستمگران حاکم بر دنیا از نادانی مردم نسبت به تاریخ رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام استفاده می کنند و آنان را در نوعی بی اطلاعی از حقایق نگاه می دارند و در عوض، تصویر نادرستی از اسلام به جهانیان نشان می دهند و همچنان این شیوه را دنبال می کنند.

نمونه عینی آن را بسیاری از مردم دیده اند و بسیاری هم به مناسبت روز اربعین به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شده اند یا اوصاف آن را

(۲۰)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۸ صفر الخیر ۱۴۳۱ق.



شنیده‌اند و برخی نیز اگر نه از نزدیک، از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای مرتبط به اهل بیت علیهم‌السلام عظمت اربعین حسینی را دیده‌اند. از اول تا بیستم ماه صفر، چه اتفاقی در عراق رخ می‌دهد؟ اربعین حسینی در کربلای معلی، رویداد بزرگی است که قطعاً و یقیناً در سرتاسر کره زمین بی‌مانند و بی‌نظیر است. این عظمت، استثنایی است که خدای متعال به امام حسین علیه‌السلام عنایت نموده است. به راستی این رویداد بزرگ برای چیست و این شکوه از کجا هدایت می‌شود؟!

در مقابل می‌بینیم که رسانه‌های خبری و شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی دنیای کفر و رسانه‌های مرتبط به دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، حتی یک دقیقه از این رویداد عظیم را پخش نکرده و نمایش ندادند. این درحالی است که اگر در نقطه‌ای دور افتاده از این جهان یک نفر زخمی یا کشته شود، آن را بزرگ جلوه می‌دهند و ده‌ها بار خبرش را با تفصیل از رسانه‌ها منتشر می‌کنند، اما این جمعیت میلیونی زائران امام حسین علیه‌السلام را نادیده می‌انگارند و در سکوت خبری باقی می‌گذارند. تعداد زیادی از زائران را با انفجارهای کور و انتحاری شهید کردند، اما در این باره حتی کلمه‌ای هم نگفتند. برخی از رسانه‌ها حتی لحظه‌ای و یا گوشه‌ای از این جمعیت میلیونی، اعم از: پیر، جوان، کودک، بیمار و ناتوان که با اشتیاق، پیاده به سوی کربلای حسینی حرکت می‌کنند را در رسانه‌های تصویری و شنیداری‌شان نشان نمی‌دهند. قطعاً این زائران اجر و پاداش خودشان را از امام حسین علیه‌السلام به بهترین وجه می‌گیرند و در دنیا و آخرت پاداش خود را دارند، اما سخن این جاست که چرا رسانه‌های مخالف اسلام این



همه بی عدالتی رسانه‌ای و سکوت خبری و سیاه‌نمایی می‌کنند؟! دنیا شاهد و حاکم است و از این بی عدالتی‌ها نخواهد گذشت.
به گفته یکی از مسئولان شبکه‌های ماهواره‌ای، سه هزار شبکه ماهواره‌ای فعال در کار اطلاع‌رسانی وجود دارد. متأسفانه تعداد بسیار محدودی از این سه هزار شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای به مکتب اهل بیت علیهم‌السلام مرتبط است.

وظیفه ما در قبال اربعین حسینی^۱

چه شخصی باید در عرصه جهانی شدن اربعین مقدس حسینی فعالیت کند تا پیام اسلام را که امام حسین علیه‌السلام با شهادتشان بیان و ابلاغ فرمودند به دنیا برساند؟ آیا احدی جز شما جوانان و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام حاضر است این کار را بکند؟ ما نباید منتظر باشیم تا دیگران این رویداد بزرگ را به رخ جهانیان بکشند، بلکه باید جوانان مؤمن اقدام کنند و این کار را به انجام برسانند، و مطمئن باشند که جوانان بیگانه با اسلام، اسلام را می‌پذیرند و به خدای متعال و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه‌السلام ایمان می‌آورند و دوستان اهل بیت علیهم‌السلام می‌شوند. جوانان امروز و فرزندان همین رؤسای حاکم بر دنیا عوض می‌شوند، همان گونه که در تاریخ چنین رویدادهایی فراوان چهره نموده است. پس در هر جای دنیا که هستید، در بلاد کفر، در بلاد اسلامی، در کشورهای شیعی، هر جا که



هستید باید در پی اطلاع رسانی رویداد عظیم اربعین حسینی در کربلای معلی باشید.

این کار بزرگ و تاثیر گذار سه چیز می خواهد:

- تلاش پیگیر و خستگی ناپذیر؛

- صبر و تحمل مشکلات؛

- اخلاق خوب.

امام حسن عسکری علیه السلام یکی از نشانه های مؤمن را «زیارة الاربعین» توصیف کرده اند، در حالی که این چنین توصیفی را برای اربعین غیر از حضرت سیدالشهداء علیه السلام فرموده اند، با اینکه برگزاری اربعین دیگر خمسة طیه و امامان معصوم اهل بیت علیهم السلام هر چند در جای خود کار شایسته ای می باشد، به این حد توصیه و تأکید نشده است. فقهای بزرگوار وقتی در کتاب های شان سخن به سیدالشهداء علیه السلام و ماجرای ایشان می رسد، روش شان دگرگون می شود و برای آن حضرت استثنائاتی قائل می شوند. با اینکه فقه ما فقهی محکم و مستدل است و هزاران تن از فقهای ورزیده طی قرون و اعصار روی آن کار کرده اند. با این حال هر جا به ماجرای حضرت سیدالشهداء علیه السلام می رسد دارای استثنا است و همه چیز را برای امام حسین علیه السلام استثنا کرده است.

بیاید با گسترش شبکه های ماهواره ای شیعی و حمایت های همه جانبه مردمی، معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و رویداد بزرگ و بی نظیر اربعین حسینی در کربلای معلی را به جهانیان نشان دهیم.

هیئت های پیاده که سختی های فراوانی را در راه برگزاری مراسم



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

اربعین حضرت سیدالشہداء علیہ السلام در کربلای معلیٰ بر خود ہموار می کنند، توجہ داشتہ باشند کہ دستہ های عزاداری موجود، ادامہ دستہ آن سوگواری ای است کہ حضرت سجاد، زینب کبری، ام کلثوم و دیگر افراد خاندان حضرت سیدالشہداء علیہم السلام برپا کردہ اند و در روز اربعین آن حضرت، خود را بہ کربلای معلیٰ و کنار تربت پاکش رسانیدند. بنابراین بایستہ است کہ ہیئتیان و دستہ های عزادار بیش از گذشتہ، آداب اسلامی را بہ کار بندند و پایند آن باشند و در مسیر اہل بیت علیہم السلام حرکت نمایند. خدمات و زحماتی کہ در دستہ های عزاداری صورت می گیرد پاداشی فوق العادہ دارد و از حد تصور ما بیرون است و تنہا خدای متعال می تواند اجر عزاداران حسینی را بدهد و حقشان را ادا نماید.

اربعین حسینی و ہدایت فرہیختگان غیرمسلمان^۱

با وجود حوادث خونین و مشکلاتی از قبیل: سر بریدن ہا، انفجارہا، ایجاد رعب و وحشت ہا و دیگر امور، آن ہم بہ نام اسلام کہ غرب و شرق و مزدورانشان، در عراق بہ راہ انداختند، بر رغم ہمہ این موانع در زیارت اربعین امسال مراسمی بی نظیر برگزار شد کہ در زمان حاضر مانند نداشتہ و در آیندہ ادامہ خواہد داشت و دیدیم کہ جمعیت چند دہ میلیونی از سراسر عراق و جہان و حتی از پیروان ادیان غیر اسلامی از داخل و خارج عراق در آن حضور یافتند و بہ زیارت امام حسین علیہ السلام

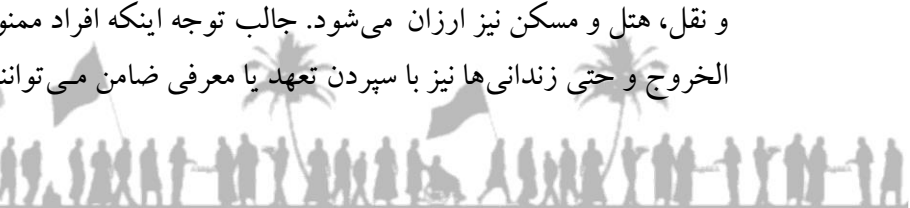
(۲۴)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت اللہ العظمیٰ شیرازی، ۲۸ صفر ۱۴۳۶.



شتافتند. اگر امروزه از حضور چند ده میلیون در مراسم اربعین امام حسین علیه السلام صحبت می شود، ان شاء الله در آینده چند صد میلیون در این مراسم شرکت خواهند کرد، لذا بنده بنا به وظیفه شرعی دعاگوی همه زائران هستم و از ایشان قدردانی می کنم، حتی افرادی که نتوانسته اند به کربلا بروند، ولی به نام اربعین و به منظور بزرگداشت این مناسبت حسینی در شهرهای خود و در کشورهای اسلامی و غیراسلامی در روز عاشورا و اربعین پیاده روی کردند و البته اقدام آنان سبب هدایت و مستبصر شدن بسیاری از فرهیختگان و تحصیل کردگان غیر مسلمان شده است. و خود با عده ای از همین راه یافتگان به سوی شاهراه هدایت دیدار داشتم که این مراسم حسینی را دلیل مسلمان شدنشان معرفی نمودند.

مطلبی را در اینجا لازم می دانم بازگو کنم و آن این است که طایفه ای غیرمسلمان در یکی از کشورهای غیراسلامی هر سال مراسمی به عنوان یک زیارت دینی برگزار می کنند. این مراسم از سوی ماهواره ها به طور کامل پوشش داده می شود و حتی برخی کشورهای اسلامی آن را پوشش خبری می دهند، اما خیلی ها از مراسم اربعین امام حسین علیه السلام هیچ گزارشی عرضه نمی کنند و یا بسیار اندک و گذرا بوده است. بنا به گزارش های خبری و مطبوعات در دسترس و در کشورهای اسلامی، در ایام برگزاری مراسم یادشده نرخ ها را به صورت چشمگیر پایین می آورند و همه چیز حتی بهای خدمات حمل و نقل، هتل و مسکن نیز ارزان می شود. جالب توجه اینکه افراد ممنوع الخروج و حتی زندانی ها نیز با سپردن تعهد یا معرفی ضامن می توانند



برای حضور در این مراسم از کشور خود خارج شوند و دولت‌های مربوط حق ممانعت ندارند، زیرا این مطلب را قانون بین المللی امضا نموده است.

نکند ما نسبت به زیارت و زوار امام حسین علیه السلام که سر آمد همه مراسم‌های دینی دنیا و آخرت است، کمتر از آن طایفه غیرمسلمان و آن دولت غیراسلامی عمل کنیم و یا خدای ناکرده بر عکس رفتار کرده و نرخ‌ها را اضافه کنیم و سودجویی نماییم که این یک نوع بی وفایی بلکه جفا است به زائران، زیارت و صاحب زیارت.

فضیلت پیاده رفتن به زیارت امام حسین علیه السلام^۱

یکی از استثناهایی که خدای متعال برای امام حسین علیه السلام قرار داده، فضیلت بی‌مانند پیاده رفتن به زیارت بارگاه مطهر ایشان است. در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابشان فرمودند: کسی که به قصد زیارت قبر حسین بن علی از خانه‌اش خارج شود اگر پیاده باشد خدا به ازای هر گام او حسنه‌ای برایش می‌نویسد و گناهی از او پاک می‌کند و هنگامی که به حائر مقدس برسد خدا او را در شمار قبول شدگان و برگزیدگان می‌نویسد و هنگامی که آیین‌ها [و زیارت] او تمام شد خدا نام او را در شمار رستگاران قلمداد خواهد کرد و وقتی قصد بازگشت نمود فرشته‌ای نزد او می‌آید و می‌گوید:



«رسول خدا به تو سلام می‌رساند و می‌گوید: اعمال خود را از سر گیر که همه گناهان گذشته‌ات آمرزیده شد.»^۱

اینکه حقیقت و کنه سلام رسول خدا چیست بنده نمی‌دانم و شما به قدر ایمان و نورتان ممکن است برداشت‌های متفاوتی از آن داشته باشید. ولی شاید یکی از اجزای این سلام، تشکر از زائران باشد. بدین معنا که رسول خدا از همه زائران قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام تشکر می‌کنند ولی از زائران پیاده تشکر خاص می‌فرمایند و به یکایک آنان عنایت ویژه دارند. بکشید این پاداش عظیم را به دست آورید؛ بدین نحو که کمی قبل از رسیدن به کربلا به اندازه‌ای که صدق کند پیاده به کربلا آمده‌اید، از اتومبیل پیاده شوید. به ویژه جوانان مؤمن که توان چنین کاری را دارند - هر چند توأم با مشقت باشد - از این عمل غافل نشوند. زیرا مایهٔ سعادت‌مندی است که فرشته الهی سلام رسول الله صلی الله علیه و آله را به انسان برساند. حضرت امام صادق علیه السلام در حدیث صحیحی که از ایشان دربارهٔ زیارت سیدالشهدا علیه السلام نقل شده می‌فرمایند: «إِنَّ كُلَّ مَنْ لَقِيَ فِي السَّفَرِ تَعْباً وَمَشَقَّةً أَكْثَرَ يَكُونُ ثَوَابُهُ أَعْظَمَ وَيَكُونُ ذَلِكَ سَبَباً لِقَرْبِهِ إِلَى أَهْلِ الْبَيْتِ علیهم السلام أَكْثَرَ؛ هر که در سفر [زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام] متحمل خستگی و مشقت بیشتری شود از ثواب عظیم تری برخوردار خواهد بود و این کار سبب نزدیکی بیشتر او به اهل بیت علیهم السلام خواهد شد».



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

سعی کنید از این سفر استثنایی، بهره‌ استثنایی ببرید. در این مدت به سفارش چهار امام معصوم که همان محاسبه نفس است اهمیت بدهید و هر روز برای دقایقی: اعمال شبانه روز گذشته را از نظر بگذرانید. امام حسین علیه السلام همیشه برای افاضه لطف و نور آماده‌اند. این عمل را در این سفر حتماً انجام دهید تا شما نیز قابلیت دریافت و پذیرفتن این الطاف را پیدا کنید. در همه مشاهد مشرفه اگر حالی دست داد برای فرج و ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و همینطور برای همه گرفتاران شیعه - به ویژه شیعیان منطقه و همه مظلومان جهان - دعا کنید؛ زیرا چنین حالی به اجابت نزدیک است؛ علی‌الخصوص از زائران حضرت سیدالشهداء علیه السلام که امید است مورد نظر خدای تعالی قرار گیرد.

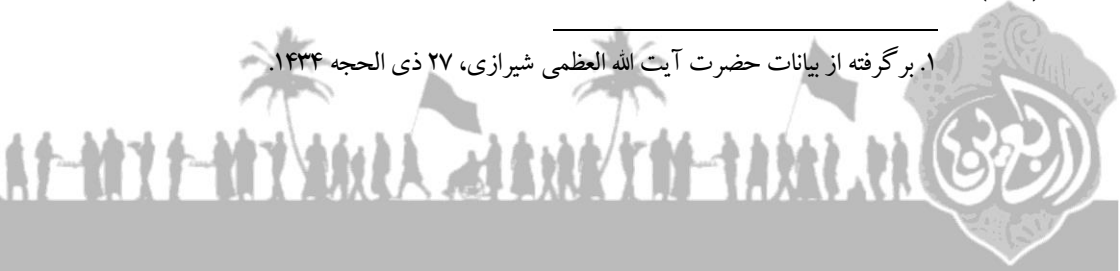
زیارت امام حسین علیه السلام در حال خوف^۱

در دوران امام باقر و امام صادق و امام کاظم علیهم السلام، مردم زیادی برای زیارت امام حسین علیه السلام رفتند و کشته شدند و بازنگشتند. با این حال زیارت آن حضرت هرگز تعطیل نشد و صدها و هزاران تن که به کربلا می‌رفتند، کسان‌شان گریه و داع می‌کردند، چراکه امیدی به بازگشت آنان نداشتند و البته حضرات معصومین علیهم السلام یک مورد هم نهی نکردند، بلکه همواره مردم را تشویق به زیارت سیدالشهداء علیهم السلام می‌کردند.

نوه جناب ابو حمزه ثمالی در زمان بنی مروان با سختی‌های فراوانی در

(۲۸)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۷ ذی الحجه ۱۴۳۴.



نیمه شب خود را به قبر مطهر سیدالشهداء علیه السلام رسانید و نیمه شب با ترس و احتیاط آنکه دشمنان متوجه او شوند برای زیارت آن حضرت آماده شد. وقتی به چند قدمی قبر مطهر آن حضرت رسید صدایی او را متوجه خود کرد که از او تشکر نمود که به زیارت سیدالشهداء علیه السلام نائل گشت. سپس آن شخص به او گفت: «برگرد».

او می گوید متوجه شدم این شخص دوست اهل بیت علیهم السلام است و از طرز برخوردش ملتفت شدم و برگشتم. پس از مدتی دوباره به طرف قبر مطهر رفتم دوباره آن صدا مرا به خود خواند و گفت: «برگرد». به او گفتم از راه دور آمده ام و می خواهم زیارت کنم. اگر صبح شود عمال بنی مروان مرا می کشند. آن صدا گفت: «الان نمی توانی به زیارت سیدالشهداء علیه السلام بروی!». پرسیدم چرا؟

گفت: «ان موسی بن عمران استأذن الله تعالى فی زیارة الحسین؛ حضرت موسی الان آنجاست و در حال زیارت امام حسین علیه السلام است». گفتم شما که هستید؟ گفت از ملائکه نزد قبر حضرت هستم. برگشتم و کمی صبر نمودم و سپس آمدم و کسی مرا مانع نشد و هنگام فجر نماز صبح را خواندم و قبر مطهر را زیارت نمودم و فوراً برگشتم.^۱

چرا در آن زمان حضرت امام صادق و امام باقر علیهما السلام از زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام ممانعت فرمودند؟ بلکه در روایات متعدد فرمودند: اگر در این راه سختی بکشید و ترس وجودتان را فرا بگیرد و



در این امر شکنجه بشوید خدای متعال به شما امان می دهد و بهشت را برای شما تثبیت می کند.

دو نکته درباره میزبانی از زائران کربلا

در اینجا به جاست به شما مؤمنانی که در عراق، به ویژه در شهر مقدس کربلا میزبان زائران امام حسین علیه السلام هستید سفارش هایی کنم. در روایات شیعه و مخالفان آن ها آمده است که خدای سبحان، جز سرزمین کربلا، این خاکدان را در روز قیامت متلاشی و نابود می کند و این سرزمین در بهشت نیز از بهترین مکان های آن خواهد بود.^۱

حال که خدای متعال بر شما تفضل کرده و توفیق خدمت به زائران امام حسین علیه السلام را به شما عنایت نموده است، سعی کنید دو نکته را

۱. بحار الأنوار، باب الحائر و فضله، حدیث ۱۰. روایتی از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «خدای متعال بیست و چهار هزار سال پیش از آفرینش کعبه و انتخاب آن به عنوان حرم امن، سرزمین کربلا را آفرید و آن را حرم امن و مبارک خود دانست. چون خدای متعال زمین را بلرزاند و دوباره بیافریند، این سرزمین مبارک با تربت مقدسش در نهایت نورانیت و شفافیت بالا برده و در بهترین بوستان های بهشت نهاده می شود و جز پیامبران و مرسلان کسی در آن جای ندارد».

یا اینکه فرمود: «پیامبران اولوالعزم در آن ساکن می شوند و در میان بوستان های بهشت، آن چنان می درخشد که ستاره درخشان از میان سایر ستارگان برای زمینیان می درخشد. نور آن چشمان تمام بهشتیان را خیره می کند و ندا می دهد: منم سرزمین مقدس و پاکیزه و مبارک خدا که پیکر مطهر سیدالشهدا و سرور جوانان بهشتی را در خود جای داده ام».



همواره لحاظ کنید:

یک: باید زائران کربلای حسینی برداشت‌های شخصی‌شان نسبت به خدمت‌گزاران به زائران به‌ویژه مردم این شهر مقدس اعم از علما، خطبا، نانوایان، آهنگران، عطاران، هتل‌داران و دیگران این باشد که اینان به اخلاق امام حسین علیه السلام آراسته شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که هر کس در این شهر حتی یک شب بماند این منش و اخلاق را به وضوح در مردم ببیند. از این فراتر، باید اخلاق و رفتارشان چنان باشد که هر کس وارد شهر کربلا شود احساس کند وارد بهترین سرزمین این خاکدان شده است که نقطه‌ای از بهشت است. باید توجه داشت که زائران برداشت خاصی نسبت به مردم این شهر دارند و آنان را با دیدی معنوی می‌نگرند و از آنان پیروی می‌کنند و پس با عملکردتان به زائران درس بیاموزید همان‌گونه که در حدیث شریف آمده است: «كونوا دعاة الناس بأعمالكم، و لا تكونوا دعاة بالسنتكم»^۱ با کارهایتان مردم را (به خوبی) دعوت کنید نه با زبانتان».

بدیهی است این حدیث نورانی صرفاً ویژه شما خدمتگزاران به زائران امام حسین علیه السلام نیست، بلکه مخاطبان آن کاملاً فراگیر و گسترده است و تمام اصناف و طبقات جامعه را شامل می‌شود.

دوم: می‌طلبید که بهترین ارمغان سفر زائر کربلای معلی به عنوان بهترین بقعه زمین و والاترین جایگاه بهشت، صرفاً مهر نماز و تسبیح



نباشد، گرچه این‌ها قداست بس والایی دارند، اما از آنجا که قداست بهشت به ساکنان آن است، قداست کربلا نیز برگرفته از قداست سیدالشهداء علیه السلام است.

از این‌رو ضروری است که زائر کربلا هنگام بازگشت برای خانواده و خویشان و دوستان هدیه و ارمغانی از این شهر مقدس به همراه خود ببرد و آن ارمغان باید اندیشه و منش و سیره حضرت سیدالشهداء علیه السلام باشد که البته این مهم را می‌توان با چاپ کتاب و تک‌نگاشته‌ها و سایر ابزار و رسانه‌هایی که بیانگر حقیقت و هدف امام حسین علیه السلام است محقق نمود و این مسأله بر عهده شما است.

دو بایسته یادآوری^۱

دو مطلب را به دنیا و حکومت‌های اسلامی و تاجران مسلمان دنیا یادآوری می‌کنم و آن اینکه امام حسین علیه السلام تنها برای شیعیان و مسلمانان نیست و فقط این‌ها مریدان او نیستند. به مریدان امام حسین علیه السلام عرض می‌کنم که زائران اربعین امام حسین علیه السلام به دو چیز نیاز دارند که شما آن را تأمین کنید: وسیله نقلیه و مسکن در کربلا و اطراف آن؛ چراکه در این مناسبت بزرگ حسینی زائران آن حضرت به هزاران ساختمان چندین و چند طبقه نیاز دارند. این کار از فقرا بر نمی‌آید و اجرا و عملیاتی کردن چنین پروژه‌هایی فقط در توان ثروتمندان است.

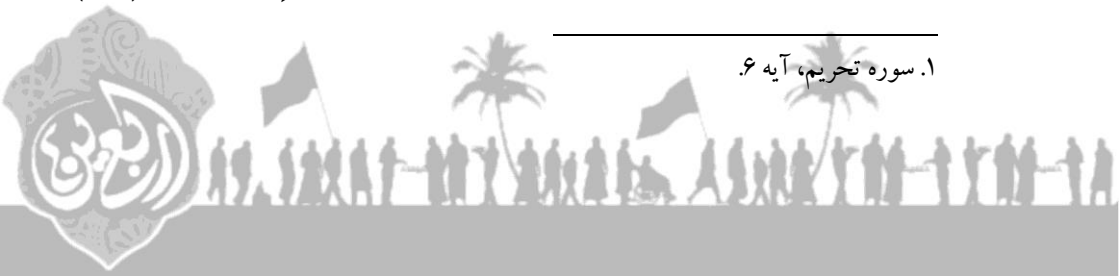
(۳۲)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۶ ذی الحجه ۱۴۳۷.



روزی یک شخصی حدود پنجاه ساله به همراه فرزند حدود بیست ساله اش نزد من آمد. وضع خوبی نداشت و با حضور فرزندش چیزی از من نخواست. می گفت: سه سال طول کشید تا برای ازدواج پسرم مبلغی پس انداز کنم. با سقوط صدام و باز شدن راه، سیل مردم زائر به سوی کربلای معلی جاری شد. با پسرم صحبت کردم که اگر نظر به ازدواج دارد کار او را سامان بدهم و اگر موافق است پس اندازمان را خرج زائران کنم و او با کمال رضایت و آمادگی پذیرایی از زائران را انتخاب کرد.

به راستی نکوهیده است که مسلمانان میلیاردی، حکومت ها و دیگر ثروتمندان در این زمینه هیچ اقدامی نکنند، اما افرادی دست به دهان این گونه آماده خدمت و ایثار باشند. چرا در چنین موسسه هایی پروازهای رایگان در مسیر عتبات دایر نشود؟! عقیده به امام حسین علیه السلام هست، ولی توانمندان را باید به این قبیل امور تشویق کرد. زائران امام حسین علیه السلام چرا بدون سرپناه باشند و زیر باران در خیابان بخوابند؟ خدمت به اینان اجر و پاداش فراوانی دارد. فرشتگان بنا به توصیف قرآن کریم ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱ و هرگز با فرمان خدا مخالفت نمی کنند و دستورات او را دقیقاً اجرا می نمایند ﴿هستند. اینان حسرت زائران امام حسین علیه السلام را می خورند و به قصد تبرک بال های خود را به لباس زائران می مالند و سلام رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان ابلاغ می کنند. جان سخن اینکه باید کوشید و تشویق کرد که توانمندان با همت عالی خود در



مراسم خاص و پر ازدحام اربعین حسینی وسیله نقلیه هوایی، زمینی، دریایی و ریلی به صورت رایگان برای زوار فراهم کنند. اگر در روزگار ما این مسأله تحقق نیابد بعدها دیگران چنین خواهند کرد و پشیمانی آن برای ما خواهد ماند و در آن هنگام کاری از ما برنخواهد آمد.

در روایت آمده است که اگر انسان مال خود را در راه خیر مصرف نکند، خود یا وارثانش آن را در راهی مصرف خواهند کرد که خدا پسند نیست و برای صاحبش آتش دوسرا می شود. همین به جهانیان برسد و با این فرهنگ و آموزه آشنا شوند بالاخره اگر چند نفر نپذیرند، بسیار کسانی هستند که به آن تن دهند. روشن باشد که دارایی و مال و پول را خدای متعال می دهد و چه بهتر که آن را در راهی که خدا می پسندد هزینه و صرف کرد.

جریان امام حسین علیه السلام و شعائر مقدس ایشان را پررنگ و پررنگ تر کنید. سفره های چند کیلومتری را غالباً مردم عادی و زیر سطح متوسط می گسترانند، خدا اجرشان بدهد.

مسکن دیگر نیاز زائران حسینی است و اگر امروز ۲۵ - ۳۰ میلیون زائر وارد کربلا می شوند، در آینده به ۵۰ و ۱۰۰ میلیون خواهند رسید و البته به اسکان و استراحتگاه نیاز دارند. زیارت و زائران امام حسین علیه السلام جایگاه والایی دارند. در روایت آمده است: «إِنَّ اللَّهَ يَزُورُ الْحُسَيْنَ علیه السلام فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ»^۱ خدای متعال هر شب جمعه حسین را زیارت می کند. این،

۱. «صَفْوَانُ الْجَمَالِ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَمَّا أَتَى الْحِيزَةَ هَلْ لَكَ فِي قَبْرِ



یعنی عنایت و رحمت خاص خدا به امام حسین علیه السلام. امام حسین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بالاتر نیستند و افتخارشان این است که در راه دین جدها فداکاری کردند، ولی در جایی نیامده است که خدای تبارک و تعالی به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام، فاطمه زهرا علیه السلام و امام حسن مجتبی یا سایر امامان علیهم السلام می رود.

بنابراین سعی شود شعائر مقدس حسینی چنان که شاید و باید و عزت مندانه برگزار شود. در این کره خاکی جایی هست به نام کربلا و عراق و جایی هست به نام ایران که مردمی خوب، مؤمن و شیفته اهل بیت علیهم السلام دارد، در کشورهای خارجی نیز مسلمانانی با همین خصوصیت وجود دارند.

در یکی از رسانه های نوشتاری عربی خواندم که جایی وجود دارد

→

الْحُسَيْنِ عليه السلام قُلْتُ وَتَزُورُهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَالَ وَكَيْفَ لَا أَزُورُهُ وَاللَّهِ يَزُورُهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ يَهْبِطُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَيْهِ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأَوْصِيَاءُ وَمُحَمَّدٌ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَنَحْنُ أَفْضَلُ الْأَوْصِيَاءِ صفوان جمال گفت: وقتی حضرت ابو عبدالله علیه السلام به حیره تشریف آوردند به من فرمودند: آیا مایل به زیارت قبر حسین علیه السلام هستی؟ عرض کردم: فدایت شوم آیا قبر آن حضرت را زیارت می کنی؟ حضرت فرمودند: چگونه آن را زیارت نکنم و حال آنکه خدای متعال در هر شب جمعه با فرشتگان و انبیا و اوصیا به زمین هبوط کرده و او را زیارت می کنند. البته حضرت محمد صلی الله علیه و آله افضل انبیا و ما افضل اوصیا هستیم. (طبق فرموده مرحوم مجلسی مقصود از زیارت حق تعالی، انزال رحمت های خاصه اش بر آن حضرت و زوار آن جناب می باشد) «کامل الزیارات، باب سی و هشتم».



که به نام دین هر ساله مراسمی ویژه در آنجا برگزار می شود. در زمان برگزاری این مراسم ویزا لغو می شود و سفر به آنجا به گذرنامه نیاز ندارد. اگر یک زندانی درخواست مرخصی برای حضور در آن مراسم داشته باشد بدون هیچ مانعی مرخصی دریافت می کند تا به سفر زیارتی خود برود.

همین رویه باید برای سفر به عتبات در پیش گرفته شود و به یک سخن سفر به عتبات باید آسان و موانع از پیش پای زائران برداشته شود. چه خوب است در این قضیه از پیروان ادیان غیراسلامی الگو بگیریم. پر واضح است که فعالیت در این زمینه سختی دارد، اما سزاوار نیست که غیرمسلمانان آن گونه عمل کنند و مسلمانان، نه. خدای متعال می فرماید: ﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلُونَفَإِنَّهُمْ يَأْلُونَ كَمَا تَأْلُونَ﴾؛ اگر شما درد و رنج می بینید آن ها نیز همانند شما درد و رنج می بینند.

آنان با آنکه به آخرت اعتقادی ندارند در راه اعتقاد خود فداکاری می کنند، حال آنکه به فرموده قرآن کریم: ﴿وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ﴾؛ ولی شما امیدی از خدا دارید که آن ها ندارند.

سخن آخر

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند: امام حسین علیه السلام را زیارت کنید بهتر از آن است که زیارت نکنید و اگر او را زیارت نکنید بهتر از



آن است که زیارت کنید^۱.

در روایت است، کسانی که این مطلب را از حضرت شنیدند، متحیر شدند که این سخن یعنی چه؟!

منظور حضرت از این فرموده چیست؟ طبق روایت، بعضی از حاضران در جلسه خطاب به حضرت عرض کردند: یابن رسول الله منظور شما چیست؟ حضرت در پاسخ فرمودند: بعضی از کسانی که به زیارت امام حسین علیه السلام می روند، تنها در حد درک و معرفت ناقص خود می روند، لذا بهتر است که به زیارت نروند، چون آن ثواب ها و فوایدی که در زیارت امام حسین علیه السلام است، نصیبشان نمی شود.

برخی نیز هستند که به زیارت می روند اما حق امام حسین علیه السلام را ادا نمی کنند؛ بنابراین آن ها هم نروند بهتر است چون ادای حق حضرت نمی کنند.

ان شاء الله شما مؤمنان که قصد آن دارید که هزاران قدم بردارید تا به مزار امام حسین علیه السلام برسید، سعی کنید با معرفت کامل به خدمت حضرت سیدالشهدا علیه السلام نائل آید.

در تاریخ گذشته انسان های فراوانی بوده اند که پیاده به زیارت آن حضرت شتافته اند که البته ریشه آن از زمان ائمه علیهم السلام است که همگی مردم را تشویق می کردند تا با پای پیاده به زیارت حضرت بروند و این نیز تنها مختص امام حسین علیه السلام است.



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

به فرموده اهل بیت علیهم السلام تنها در زیارت امام حسین علیه السلام است که دستور داده اند وقتی وارد می شوید با همان حالت خستگی بروید، بدون آنکه به خود عطر بزنید و یا بدن خود را بشوید که امام صادق علیه السلام نیز در همین رابطه فرموده اند اگر گرسنه و تشنه هم هستید آب و غذا نخورید، بلکه با همان حالت و با گرد و غبار راه به زیارت بروید زیرا امام حسین علیه السلام نیز همین گونه به شهادت رسیده اند.^۱



بخش دوم:

شرح عباراتی از زیارات امام حسین علیه السلام

شرح مختصری بر عبارت:

«ارادة الرب في مقادير أموره تهبط إليكم، وتصدر من
بيوتكم، والصادر عما فُصِّل من احكام العباد؛^۱ و ارادة پروردگار در
مقدرات امورش بر شما [خاندان] فرو فرستاده می شود، و آنچه از احكام
بندگان تفصیل و تعیین شده [از شما] صادر می گردد».

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۷۷، باب زیارة قبر أبی عبد الله الحسين عليه السلام، ح ۲.

تخلق به صفات إلهی^۱

در زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام که شیخ صدوق آن را در شمار صحیح ترین زیارات دانسته است، این عبارت آمده: «ارادة الرب فی مقادیر أموره تهبط إلیکم، وتصدر من بیوتکم، والصادر عما فُصل من احکام العباد؛^۲ و ارادة پروردگار در مقدرات امورش بر شما [خاندان] فرو فرستاده می شود، و آنچه از احکام بندگان تفصیل و تعیین شده [از شما] صادر می گردد».

(أموره): جمع مضاف و مفید عموم است، و ضمیر آن به (رب) برمی گردد. یعنی خدای متعال اهل بیت علیهم السلام را راه اجرای تمام تقدیرات امور خود و هر آنچه مربوط به ما سوی الله است قرار داده؛ این قسمت از زیارت اشاره به امور تکوینی و «الصادر عما فصل من احکام العباد» اشاره به امور تشریعی دارد.

همچنین عبارت دیگری در ادعیه ماه رجب از ناحیه مقدس و توسط نائب خاص دوم (محمد بن عثمان) رسیده است که می فرماید: «لا فرق بینک و بینها إلا أنهم عبادک وخلقک؛^۳ فرقی بین تو و آنها نیست مگر اینکه آنها بندگان و مخلوق تو هستند».

۱. سلسله جلسات علمی مرجع عالیقدر در ماه مبارک رمضان، جلسه ۱۴، ۱۴۳۷ق.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۷، باب زیارة قبر أبی عبد الله الحسین علیه السلام، ح ۲.

۳. الإقبال، ص ۶۴۶.



فقط یک فرق بین خدا و معصومین علیہم السلام هست، البته این فرق، بسیار بزرگ است، خدای متعال واجب الوجود است و معصومین ممکن و مخلوق، آن‌ها عباد خدا هستند و از خودشان چیزی ندارند.

همچنین در روایت آمده: «انَّ الله اَدَّب نَبِيَّه بِأَدَبِهِ فَفَوَّضَ إِلَيْهِ دِينَهُ؛^۱ خدای متعال پیامبرش را تأدیب کرد و سپس دین خود را به او واگذار کرد».

خدای متعال همه چیز را به این انوار مقدس داده است، و این مطلب اشکالی ندارد، نه از نظر عقلی و نه از نظر عقلایی و نه از نظر نقلی. و ادله متواتره از روایات و ادعیه و زیارات نیز بر آن دلالت می‌کند.

فرض کنید مرجع تقلیدی نماینده‌ای برای خود قرار داده، و این نماینده از طرف وی شهریه می‌دهد. و فرضاً مرجع، کل صلاحیات را به این نماینده داده و به او گفته اختیار کامل داری به هر که می‌خواهی و به هر مقدار پرداخت نمایی. فرق بین این مرجع و نماینده تام‌الاختیار وی این است که مرجع اصل و آن نماینده با تمام اختیاراتش، فرع است و از خودش هیچ ندارد، همه از آن مرجع تقلید است.

نسبت به ائمه علیهم السلام نیز چنین است، آنان از خود چیزی ندارند، اما خدا همه چیز به آن‌ها داده است. در آیه شریفه می‌فرماید: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾^۲ [گفتیم] این بخشش ماست



[آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار.❦

از این رو فرق نمی کند در طلب حوائج، از خدا بخواهیم و ائمه اطهار (علیهم السلام) را شفیع و واسطه بین خود و خدا قرار دهیم، یا از آنها بخواهیم که از خدا بخواهند، یا مستقیماً از خود آنها همه چیز را بخواهیم، زیرا خدای متعال به آنان همه چیز عطا فرموده است.

از طرفی، خدای متعال دنیا را دار امتحان قرار داده و شیطان و نفس اماره را به همین جهت آفریده، با آنکه می دانسته چقدر مفسد دارند، و از طرفی عقل را از درون انسان، و انبیاء (علیهم السلام) را در بیرون حجت قرار داده است تا هر کسی بخواهد هدایت شود، هدایت گردد.

خدای متعال می فرماید: ﴿فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ﴾^۱ پس هر

که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند.❦

و: ﴿لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ﴾^۲ تا کسی که [باید]

هلاک شود با دلیلی روشن هلاک گردد و کسی که [باید] زنده شود با دلیلی واضح زنده بماند.❦

و: ﴿لَنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ﴾^۳ تا بنگریم چگونه رفتار می کنید.❦

این عبارت از جایگاه والا و بزرگ این خاندان پاک نزد خدا حکایت دارد، آن سان که حضرت باری تعالی تمام امور خود، یعنی امور هستی و

۱. سوره کهف، آیه ۲۹.

۲. سوره انفال، آیه ۴۲.

۳. سوره یونس، آیه ۱۴.



تمام آفریدگان را به اهل بیت علیهم السلام سپرده است. آری، اهل بیت علیهم السلام این گونه اند. بنابراین، کسی که در راه ایشان کار می کند باید بداند که خدای متعال بر او منت نهاده و از توفیق کار در راه اهل بیت علیهم السلام برخوردارش کرده است.

سعادت ابدی^۱

حال که به طور تکوینی هر چه برای خداست، در دست اهل بیت علیهم السلام قرار دارد، اگر کسی به این خاندان پیوست سعادت مندتر از او یافت می شود؟

هر کس هر مقدار با اهل بیت علیهم السلام پیوند داشته باشد به همان نسبت سعادت مند خواهد بود.

مرحوم والد ما (آیت الله العظمی میرزا مهدی حسینی شیرازی قدس سره) داستانی مربوط به یکصد سال قبل تعریف کرده، می فرمودند: در سامرا زندگی می کردیم و من در آغاز جوانی به تحصیل علوم دینی مشغول بودم. ما طلاب در دهه اول ماه محرم مجلس ویژه خود داشتیم. هریک از ما بخشی از نیازهای مجلس را بر عهده می گرفت و هر کدام از ما پارچه سیاه از خانه می آوردیم و با دوختن آنها به یکدیگر، محل برگزاری مجلس را سیاهپوش می کردیم.

ایشان فرمودند: من تصمیم گرفتم، کار سیاه کوبی را بر عهده بگیرم و (۴۵)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۱۵ محرم الحرام ۱۴۳۵ ق.



لذا از نردبانی که غالب پله های آن شکسته و با ریسمان به یکدیگر بسته شده بود بالا رفتم تا کار سیاه کوبی را انجام دهم. از نردبان بالا رفتم و چون به آخرین پله رسیدم، ناگاه آن پله شکست و من بر زمین افتادم. حاضران گرد من جمع شدند و برادرم میرزا سید عبدالله (عموی مرجع عالیقدر) نگاهی به من - که نفس های آخر را می کشیدم - کرد و گفت: او مرده است، آن گاه به خانه رفت تا اهل خانه را از ماجرا آگاه کند. چون به خانه وارد شد یکی از خواهرانم او را دید و دلیل برگشتن باشتابش را پرسید. او پرسید: مادرم کجاست؟ گفت: در اتاق.

پیش از آنکه وارد اتاق شود با خود اندیشید که ماجرا را برای خواهر یا مادرمان بگویم یا نه؟! و پس از لحظاتی در اتاق را باز کرد و مادرمان را دید که در جایی رو به روی درِ اتاق خوابیده است. ناگاه چشم باز کرد و گفت: چه شده است که به خانه آمده‌ای؟ گفتم: چیزی نیست، همین‌طوری آمدم.

گفت: نگران نباش خطری متوجه مهدی (مرحوم والد) نیست. در عالم رؤیا دیدم که سید مهدی از بلندی به زیر افتاد و همزمان صدایی را شنیدم که می گفت: «پنج تن با دستان مبارک خود او را گرفته‌اند». میرزا عبدالله می گوید: شگفت زده شدم و به حسینه بازگشتم و سید مهدی را صحیح و سالم یافتم و همان طور که مادرم گفته بود، صحیح و سالم و هیچ آسیبی ندیده بود.



شرح مختصری بر عبارت:

«وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من الجهالة، وحيرة الضلالة؛^۱ و (حضرت سید الشهداء عليه السلام) خون قلب خود را در راه خدا نثار کرد تا بندگان خدا را از نادانی و سرگشتگی گمراهی رهایی بخشد».

۱. مصباح المتعجب، شیخ طوسی، ص ۷۸۸.

تبیین اهداف امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین^۱

خدای متعال به سبب شهادت امام حسین علیه السلام به ایشان پاداش بی مانند داده که از جمله آن: شفا را در تربت او، امانان معصوم علیه السلام را از نسل ایشان و استجابت دعا را زیر قبه مبارک حضرت قرار داده و ویژگی های بسیار دیگری که قابل شمارش نیست. این پاداش ها همه برای یک مطلب بوده و آن ماندگاری و جاودانگی اسلام و قرآن و حاکم و فراگیر شدن اخلاق و فرهنگ قرآن و اهل بیت علیه السلام است که شهیدانی همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله، حضرت علی، فاطمه زهرا و حضرت محسن و امام مجتبی علیه السلام نیز در راه آن به شهادت رسیدند.

شاهد این مطلب فرازهایی از زیارات مخصوص امام حسین علیه السلام است که زیارت اربعین یکی از آنهاست. در بخشی از این زیارت می خوانیم: «وبذل مهجته فیک لیستتقذ عبادک من الجهالة، وحيرة الضلالة؛ و حضرت سیدالشهداء علیه السلام خون قلب خود را در راه خدا نثار کرد تا بندگان خدا را از نادانی و سرگشتگی گمراهی رهایی بخشد».

آنچه در این بخش از زیارت اربعین آمده است، هدف امام حسین علیه السلام بوده که هنوز به طور کامل تحقق نیافته، بلکه به صورت کم و بیش در جامعه دیده می شود و آن هم به برکت امام حسین علیه السلام و شعائر

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۲۸ صفر الخیر ۱۴۳۶ق و ربیع الاول ۱۴۳۵ق.



حسینی و برپا کنندگان و پیروان آن از نیاکان، پدران، مادران و اجداد ما است که خدا جزای خیر به آنان دهد که ما را در این راه قرار دادند و از سرگشتگی و جهالت رهایی بخشیده‌اند. پیمودن این راه و همچنین تحقق بخشیدن به آن، البته سختی‌هایی دارد، ولی با تحمل و تعامل خوب می‌توان آن را پشت سر گذاشت. رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در راه تبلیغ اسلام، بدرفتاری و آزارهای فراوانی دیدند، اما با سعه صدر و اخلاق خوب مردم را در شاهراه هدایت قرار دادند. حربن یزید ریاحی راه را بر امام حسین علیه‌السلام بست و حضرت را - به ظاهر - گرفتار سپاه ابن سعد کرد که به شهادت آن حضرت انجامید، اما توبه کرد و به حق پیوست. زهیر بن قین، وهب و دیگران نیز با هدایت و ارشاد امام حسین علیه‌السلام به حق پیوستند.

در زیارتی دیگر این اضافه را دارد که می‌فرماید: «ومن الشک والریب والعمی؛ و از شک، تردید و کورباطنی برهاند».

امام حسین علیه‌السلام این مطلب را دنبال می‌کردند که مردم را برهاند و کافران را از منجلاب کفر نجات دهند و گمراهان و منحرفان از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را به مسیر درست و صراط مستقیم باز گردانند و مؤمنان را از دام ابلیس و گناهان وارهاند.



تحقق اهداف امام حسین علیه السلام^۱

سعی کنیم تا هر چه بیشتر، یکی از عمده ترین و والاترین اهداف امام حسین علیه السلام را که برای رسیدن به آن جان نثاری و از خود گذشتگی نمودند، تحقق بخشیم و آن، همانا رهانیدن بندگان خدا از نادانی و سرگشتگی و گمراهی است. در زیارتی که از امام صادق علیه السلام روایت شده آمده است که آن حضرت راجع به جد خود حضرت سیدالشهداء علیه السلام به درگاه خدا عرضه می دارند: «وبذل مهجته فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة وحيرة الضلالة»^۲ (سیدالشهداء علیه السلام) خون خود را در راه تو نثار کرد تا بندگان را از [دام] نادانی و سرگشتگی و گمراهی برهاند».

چنین هدایت ها و راهنمایی ها را می توان با استفاده از ماه محرم تحقق بخشید و با ابزارهای گوناگون و مشروع و از طریق برگزاری مجالس، عزاداری ها، راهپیمایی ها و برگزار کردن مجالس حسینی در طول روزها و شب های سال، مردم سراسر گیتی را با اهداف آن حضرت آشنا و به راه راست هدایت کرد.

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، محرم الحرام ۱۴۲۵ ق.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۱۳، حدیث ۱۷.



شرح مختصری بر عبارت:

«إِنَّ كَان لَمْ يَجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتَغَاثَتِكَ وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتِنصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي؛^۱ (ای امام حسین!) اگر در روز عاشورا به هنگام مددخواهی و طلب یاری شما، بدن و زبانم به یاری و مددتان نشتافت، به یقین قلب، سمع و بصرم ندایتان را لیک گفتند».

لیک جهانیان به ندای استغاثه^۱

در اینجا به جمله‌ای از زیارت امام حسین علیه السلام که حضرت صادق علیه السلام به ابو حمزه ثمالی تعلیم فرمودند اشاره می‌کنم و آن این است که ایشان بیش از یکصد سال پس از واقعه عاشورا، نحوه زیارت امام حسین علیه السلام را برای او بیان داشتند و در واقع مخاطبان این فرموده، همه جهانیان هستند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «در زیارت امام حسین علیه السلام حضرتش را این‌گونه مورد خطاب قرار بده و بگو: **إِنْ كَانَ لَمْ يَجِبْكَ بَدَنِي عِنْدَ اسْتَغَاثِكَ وَلِسَانِي عِنْدَ اسْتَنْصَارِكَ، فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَسَمْعِي وَبَصْرِي؛** (ای امام حسین!) اگر در روز عاشورا به هنگام مددخواهی و طلب یاری شما، بدن و زبانی به یاری و مددتان نشتافت، به یقین قلب، سمع و بصرم ندایتان را **لِیْکَ** گفتند».

امام حسین علیه السلام در ساعت‌های پایانی حیات خود با دو مصیبت سنگین روبه‌رو شدند که دربارهٔ احدی از چهارده معصوم علیهم السلام ذکر نشده است، هرچند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام فرموده‌اند: «**مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ**»^۲ احدی از ما، از دنیا نمی‌رود مگر اینکه با زهر جفا و یا تیغ اعدا باشد».

(۵۲)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۱۰ محرم الحرام ۱۴۳۷ ق.

۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۱.



اما جز در مورد امام حسین علیه السلام درباره هیچ یک از آن بزرگواران نیامده است که در ساعت های آخر حیات خود مددخواهی کرده یا یاری طلبیده باشند.

روشن باشد که این فرموده معصوم «وإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ»^۱ و به یقین ما امیران سخن هستیم» یعنی: اهل بیت علیهم السلام در فصاحت و بلاغت شیواسخن و زبان آورترین افراد هستند و چنان احاطه ای بر الفاظ و معانی آن دارند که از عهده احدی بر نمی آید. ایشان با این بلاغت و فصاحت، کلمه استغاثه و استنصار که در فشرده ترین معانی حاکی از شدت سختی و اوج گرفتاری حضرت است به کار برده و از شیعیان تمام تاریخ یاری خواسته و به آنان استغاثه کرده اند.

چنان که در مقاتل آمده و از برخی روایات به دست می آید، امام حسین علیه السلام در آن ساعت ها با صدای بلند جمله «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي وَهَلْ مِنْ مَغِيثٍ يُغِيثُنِي» را بر زبان آوردند تا همگان شنیده و حجت بر آن ها تمام شود.

استغاثه امام این گونه بود...^۲

امام حسین علیه السلام عبارت استغاثه و استنصار را در حالی به زبان آوردند که یاری برای حضرت نبود و یا بودن یاران و خویشان فرق نمی کرد،

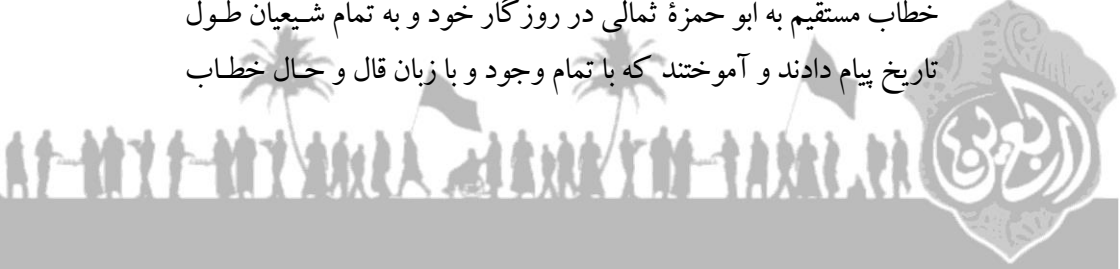
۱. نهج البلاغه فیض الاسلام، کلام ۲۲۴.

۲. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۱۰ محرم الحرام ۱۴۳۷ ق.



زیرا حضرت با تمام وجود بر خدای متعال متکی بودند و توکل داشتند. امام حسین علیه السلام که از مقام امامت و عصمت برخوردارند در زمانی این سخن را بر زبان آوردند که از مردان تنها امام سجاد علیه السلام که در شدت بیماری به سر می بردند برایشان باقی مانده بود. و این نشان دهنده این است که امام حسین علیه السلام در آن لحظات از جهت عاطفه انسانی سخت در فشار بودند؛ از یک سو عزیزانشان که بهترین ها بودند بر روی زمین پرپر شده و به شهادت رسیدند و از سوی دیگر هشتاد و چهار زن و بچه ترسان و لرزان در خیام خالی از مرد به سر می بردند. و بنا نبود که ایشان معجزه کنند و به یاری معجزه همه چیز را سامان بدهند و این بسیار تلخ و سخت است. شما اگر روزی وارد منزل خود شوید و دختر بچه خود را لرزان ببینید که به شما می گوید بابا امروز در حال نبودتان یک پلیس به دنبال شما آمده بود، چقدر از ناراحت شدن این دختر غمگین و ناراحت می شوید، چه رسد به هشتاد و چهار زن و بچه و صحرای پر از پلیس خونخواری که همه مردان آنان را کشته و آخرین امید آنان را نیز می خواهند بکشند؟

به هر حال زنان حرم می دیدند که همه مردان و یاران کشته شده اند و امام حسین علیه السلام نیز کشته خواهند شد. امام که وضع مضطرب اهل حرم و هراس و ترس و نگرانی آنان را می دیدند، اینجا بود که ندای «هل من ناصر ینصرنی وهل من مغیث ینیثنی» بر آوردند. امام صادق علیه السلام در خطاب مستقیم به ابو حمزه ثمالی در روزگار خود و به تمام شیعیان طول تاریخ پیام دادند و آموختند که با تمام وجود و با زبان قال و حال خطاب



به حضرت سیدالشهداء علیه السلام بگویند که اگرچه در روز عاشورا حضور نداشته‌اند تا با بدن و زبان حضرتش را یاری کنند، اما امروز با جان دل، سمع و بصر خود ندای یاری‌خواهی حضرتش را پاسخ می‌دهند.

وظیفه چیست؟^۱

حال که در واقعه عاشورای سال ۶۱ هجری قمری حضور نداشتیم امروز در این معنا چه وظیفه‌ای داریم؟ از واقعه خونین عاشورای سال ۶۱ تا به امروز در جای جای این کره خاکی در عاشوراها کارشکنی می‌شده، بنی‌امیه از یزید و غیر یزید، مروان و بنی مروان، بنی عباس، عثمانیان و پس از آنان دیگران چوب لای چرخ شعائر مقدس حسینی و عاشورایی می‌گذاشتند و تا به حال نیز ادامه دارد. همانند این انفجارها و تیراندازی‌هایی که در کشورهای اسلامی بر ضد عزاداران امام حسین علیه السلام رخ می‌دهد و جان سوگواران آن حضرت را می‌گیرد.

البته آنان که پشت سر این جنایت‌ها بوده و هستند، با افراد مشکل شخصی ندارند، بلکه آنان و عوام‌لشان امام حسین علیه السلام و جد بزرگوار امام حسین و اهل بیت آن حضرت را هدف گرفته‌اند. در روزگار خودمان این موانع و کارشکنی‌ها بوده، اما شدت و ضعف داشته است. مثلاً برای خودم نقل کرده‌اند که در زمان به قدرت رسیدن پهلوی اول، وی آنقدر شدید برخورد می‌کرد که در دهه محرم و شب و روز عاشورا حتی یک

(۵۵)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۱۰ محرم الحرام ۱۴۲۷ ق.



مورد از شعائر مقدس حسینی علنی برگزار نمی‌شد. در آن روز گارانِ سخت علامه بزرگوار آیت الله العظمی میرزای نائینی قدس سره به جواز و استعجاب برگزاری علنی تمام شعائر حسینی فتوا دادند و یک به یک این مراسم را نام بردند و فرمودند که اگر عزاداری در حال اظهار و انجام شعائر حسینی جان سپارد اشکالی نخواهد داشت و بر این فتوا دلیل و برهان اقامه کردند.

جالب توجه این است که در هیچ منبعی یا خاطره‌ای نیامده که احدی در شعیره حسینی ویژه صبح عاشورا جان سپرده باشد و این خود از معجزات شگفت‌انگیز است، در حالی که افرادی در حال انجام مناسک حج، زیارت امام حسین علیه السلام و در دیگر موارد جان می‌سپارند و می‌میرند. جان سخن اینجاست که علمای نام دار و بزرگ از معاصران خود میرزا و بعد ایشان که از تعداد چشمگیری برخوردار هستند، فتاویٰ یادشده میرزا را امضا کردند و بر صحت آن گواهی دادند و من نیز از چنین افتخاری بهره‌مند شدم و امضا نمودم.

شعائر امام حسین علیه السلام و جهانی شدن^۱

چگونه می‌توانیم دستور امام صادق علیه السلام را که به ابو حمزه ثمالی دادند

(۵۶)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۱۰ محرم الحرام ۱۴۳۷ق.



عملی کنیم. هریک در حدّ توان خود در برگزاری مراسم سوگواری حضرت سیدالشهدا علیه السلام بکوشید، هرچند به برقرار کردن مجلسی مختصر و چند نفره برای آن حضرت باشد یا اینکه حتی به تنهایی در یکی از شعائر مقدس حضرتش شرکت کنید. مبدا فردی با امام حسین علیه السلام پیمان یاری بسته باشد و به خود خیانت و جنایت کند و دنیا و آخرت خود را بر باد دهد. در همین زیارتی که امام صادق علیه السلام به ابو حمزه ثمالی آموختند آمده است: «والحجة على أهل الدنيا؛ و حجت بر تمام جهانیان هستی».

رساندن این اصل به جهانیان راه‌های متفاوتی دارد که از آن جمله تأسیس شبکه‌های ماهواره‌ای است که از این رهگذر می‌توان اهداف والای امام حسین علیه السلام، مظلوم‌میشان، جریان فاجعه بار شهادتشان و اسارت دختران رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندانشان را به جهانیان رسانید تا حجت بر همه تمام شود. اگر این امر به درستی صورت گیرد همه خواهند پذیرفت و اگر شخصی نپذیرد حجت بر او تمام شده است.

توجه داشته باشیم که مقدمات به وجود آوردن چنین فرصتی در دست ما شیعیان است و در این زمینه پیر و جوان یکسان هستند، هرچند جوان، نشاط بیشتری دارد، چنان که امیرمؤمنان علی علیه السلام دربارهٔ جوان می‌فرماید: «یعبنی جلد الغلام؛ نشاط و پر تلاش بودن جوان را می‌پسندم و دوست دارم».



شرح مختصری بر عبارت:

«وَضَمَّنَ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَثَارَكَ»^۱ و [خدای توانا]

زمین و خاکیان را ضامن خون و خون‌خواهی تو قرار داده است».

مسئولیت انتقام خون امام حسین علیه السلام^۱

خدای تبارک و تعالی ویژگی های فراوانی برای امام حسین علیه السلام مرحمت فرموده است (که برای آگاهی از آن به کتاب الخصائص الحسینیة رجوع شود). برجسته ترین این ویژگی ها آن است که حضرت حق تعالی امامان معصوم علیهم السلام را در نسل ایشان قرار داده؛ خصوصیتی بس بزرگ که درک عظمت و حقیقت آن برای ما ممکن و مقدور نیست. همچنین شفا را در تربت آن حضرت قرار داد و با اینکه خوردن خاک را حرام فرمود، خوردن تربت امام حسین علیه السلام را نه فقط جایز شمرد بلکه آن را مستحب و شفا قرار داد. دیگر ویژگی بزرگ امام حسین علیه السلام این است که خدای متعال زیر قبه شریف آن حضرت دعا را مستجاب فرموده است.

البته ویژگی های دیگری نیز وجود دارد که در کتاب (الخصائص الحسینیة) بدان پرداخته و آن، زیارت های فراوان ایشان است که برای دیگر معصومان به این مقدار، زیارت وارد نشده است. در زیارت امام حسین علیه السلام که ابن قولویه قمی در کتاب گرانسنگ کامل الزیارات آورده است، امام صادق علیه السلام خطاب به جد بزرگوار خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام می فرماید: «وَضَمَّنَ الارضَ وَمَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ وَثَارَكَ؛



و [خدای توانا] زمین و خاکیان را ضامن خون و خون خواهی تو قرار داده است».

می توان به اطمینان گفت که در دعاها و زیارت های روایت شده از اهل بیت علیهم السلام برای دیگر معصومان، عبارتی این چنین نیامده و آن گونه است که علما، از جمله علامه مجلسی - که این روایت را از ابن قولویه در بحار الانوار نقل کرده است - در تفسیر آن سرگشته مانده اند.

ضمانت زمین و زمینیان^۱

در اینجا تک تک مفردات این عبارت را بررسی می کنیم. درباره واژه «ضَمَنَ» می گوئیم: ضمان، یکی از ابواب احکام عملی شرعی است که میان علما در تعیین و تحدید چهارچوب ساختار آن اختلاف نظر است. که آیا «ضمیمه کردن ذمه ای (تعهد) به ذمه (تعهد) دیگر است» یا «انتقال (اضافه شدن) ذمه ای به ذمه ای دیگر است».

از عبارت امام صادق علیه السلام برمی آید و ظهور دارد که خدای متعال، زمین و زمینیان را در مورد خون حضرت سیدالشهدا علیه السلام ضامن و مسئول کرده است، زیرا خون پاک آن حضرت بر زمین ریخته شده و بر ذمه زمین و ساکنان آن قرار گرفته است. مفاد عبارت امام صادق علیه السلام این است که خدا تمام زمین ها را ضامن خون آن حضرت قرار داده است و در این عبارت چیزی نیامده است که لفظ عام زمین، به نقطه معینی

(۶۱)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۷ محرم الحرام ۱۴۳۵ق.



انصراف داشته باشد، در حالی که لفظ «کربلا» همان زمین معینی که خون امام حسین علیه السلام بر آن ریخته شده، در روایات و زیارت های بسیاری آمده و همینطور لفظ کوفه بر جایی اطلاق می شود که سپاهیان از آنجا عازم جنگ با امام حسین علیه السلام شدند.

با مراجعه به زیارتی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است، می بینیم که لفظ ارض (زمین) به طور مطلق آمده است، آنجا که می فرماید: «زمین و هر کسی که بر آن است» یعنی همه انسان ها که از آغاز آفرینش تا واپسین عمر این جهان بر آن بوده و زندگی کرده اند.

علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه می فرماید: شاید مقصود از عبارت «من علیها» فرشتگان و جن باشند، اما ممکن است گفته شود: چرا فقط فرشتگان و جن، در حالی که بشر و هر چیزی که خدا را تسبیح می گوید [نیز بر آن ساکن اند]، چون در اینجا، لفظ «مَنْ» موصوله است و چنان که بین علمای علوم عربی مشهور است ظهور در عموم دارد. بنابراین، معنای عبارت امام صادق علیه السلام این است که خدای متعال مسئولیت خون و خون خواهی از خون امام حسین علیه السلام را بر عهده تمام زمینیان نهاده است، لذا جا دارد که علما در توجیه و تفسیر این عبارت امام صادق علیه السلام دچار سرگشتگی شوند، چرا که امام صادق علیه السلام سخنانی پر معنا و عمیق فرموده اند، زیرا تنها خاندان پاک رسالت است که در بلاغت و شیوایی قله نشین هستند و فراتر اینکه معصومند و در تمام امور و گفتارها دقت فوق العاده ای دارند.



کیفیت انتقام زمین^۱

حال باید دید که امام صادق علیه السلام چرا فرمودند: «خدای متعال خون حسین را بر عهده زمین گذاشت». و این عبارت چه معنا و چه جایگاهی دارد؟! آیا زمین امام حسین علیه السلام را کشت و اگر مراد از زمین در این عبارت، کربلاست می‌دانیم که خدای متعال شأن و منزلت والایی به کربلا داده است تا آنکه آن را برتر و گرامی‌تر از کعبه خوانده است؛ منزلتی استثنایی که برای امام حسین علیه السلام قائل شده است، اما امام صادق علیه السلام این امر را خاص کربلا ندانسته، بلکه فرمودند: «زمین را ضامن و مسئول دانست» و این، یعنی تمام سرزمین‌ها.

حال که امام حسین علیه السلام در بخشی از این زمین کشته شدند، چرا خدای متعال همه زمین‌ها را مسئول خون پاک آن حضرت کرده است؟! آری، علمای بزرگ در فهم این بخش از زیارت سرگشته شدند و عده‌ای گفته‌اند از آن روست که امام حسین علیه السلام در کره زمین کشته شدند و خدای متعال همه زمین را مسئول کرده است که چون قاتلان امام حسین علیه السلام و آن‌هایی که او را تنها گذاردند بمیرند، در هر جایی از این خاکدان دفن شوند، زمین مسئول شکنجه آنان خواهد بود و این همان ضمانتی است که خدای متعال بر عهده زمین نهاده است؛ چیزی که خدای متعال امام حسین علیه السلام را بدان ویژگی بخشید و امام صادق علیه السلام آن

(۶۳)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۷ محرم الحرام ۱۴۳۵ق.



را آشکار و اعلان فرمودند.

اینکه زمین چگونه این تکلیف و مسئولیت الهی را اجرا می کند، ضرورتی برای دانستن آن نمی بینم، چراکه زمین خود به تکلیف و مسئولیت خویش آشناست و تنها بایسته دانستن برای ما آن است که بدانیم زمین مسئولیت دارد و آن را به انجام می رساند.

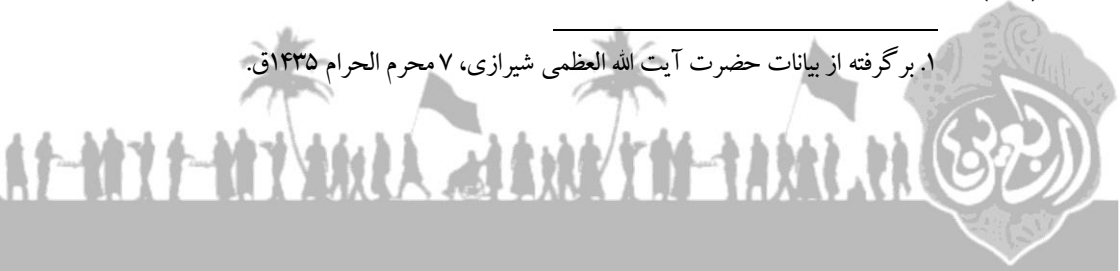
ضمان و مسئولیتی فراگیر^۱

نکته دیگر این زیارت که بایسته تأمل است اینکه به مسئولیت همه زمینیان تصریح دارد و این به آن معناست که ما، نیاکان ما، فرزندان ما و نسل های آینده ما که در این زمین زندگی کرده اند و می کنیم و خواهند کرد، همگی مان مسئول به پا خاستن برای انتقام خون امام حسین علیه السلام هستیم، به دیگر بیان همه ما و کسانی که امروز و فرداها در سراسر جهان زندگی می کنیم این مسئولیت را بر عهده داریم.

ممکن است گفته شود: ما در روزگار بنی امیه نبودیم، و در جریان عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام حضور نداشته ایم، پس چگونه و در برابر چه چیزی مسئول هستیم و معنای فرمایش: «خون خواهی تو را بر عهده زمین و ساکنان آن نهاد» چیست؟! پس ممکن است معناهای دیگری برای این مطلب وجود داشته باشد که باید برای درک و فهم آن کوشید.

(۶۴)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۷ محرم الحرام ۱۴۳۵ق.



از آنچه بیان شد نتیجه می گیریم که خدای متعال ویژگی هایی برای امام حسین علیه السلام قائل شده که برای هیچ یک از جهانیان قائل نشده است، چه اینکه خون او را به جهان هستی مرتبط ساخته و مسئولیت خون حضرتش را بر عهده زمین و ساکنان آن نهاده است.

شاید تعجب علامه مجلسی رحمته الله از معنای حقیقی ظاهر این عبارت بوده و بسا که آن را با عدل الهی مغایر می دانسته است، بدین معنا که خدای متعال زمین و زمینیان را مسئول خون امام حسین علیه السلام می داند، حال آنکه در میان زمینیان کسانی بوده و هستند که به کشته شدن آن حضرت راضی نبوده و نیستند و قاتلان او را لعن و از آنان اعلام براءت می کنند و انگهی در میان این زمینیان، پیامبران و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستند.

این امر سبب شد تا علامه مجلسی معانی مجازی برای فرموده امام صادق علیه السلام بیان دارد، از جمله اینکه: عبارت بدین معناست که زمین، هنگام به گور سپرده شدن قاتلان امام حسین علیه السلام، آنان را شکنجه می کند و این، همان تضمینی است که خدای متعال بر عهده زمین نهاده است، بدین معنا که مسئولیت زمین و جمادات، در واقع مسأله ای تکوینی است. در مقابل، مسئولیتی که خدای متعال بر عهده ذوی العقول، مانند: انسان، جن و فرشتگان نهاده است، مسئولیت تشریعی است. در نهایت کافی است که بدانیم خدای متعال مسئولیت خون امام حسین علیه السلام و خون خواهی آن حضرت را بر عهده کره خاکی گذاشته است و هیچ اشکالی هم در این امر نیست.



بررسی مقصود عبارت (من علیها)^۱

در بخش دوم این قسمت از روایت، یعنی عبارت «ومن علیها» و هر کس که بر آن است» ظاهر عبارت این است که هم مسئول خون و هم مسئول خونخواهی امام حسین علیه السلام تمامی بشر هستند، حال آنکه در میان زمینیان دوستداران آن حضرت وجود دارند، پس مقصود چیست؟
فقها می گویند که اگر حدیث صحیح با صیغه امر وارد شود، ظاهر قضیه همان معنای حقیقی، یعنی وجوب است، مگر آنکه بر عدم اراده وجوب قرائنی وجود داشته باشد که در آن صورت مستحب بودن آن مطرح می گردد.

در این بحث نیز اراده معنای حقیقی ممکن است، چراکه مقتضای چنین اراده ای این است که افرادی که در کشتن امام حسین علیه السلام شرکت نکرده و بدان راضی نبوده اند نیز کیفر شوند که چنین چیزی با منطق عدل منافات دارد، لذا نمی توان عبارت امام صادق علیه السلام را بر معنای حقیقی آن حمل کرد. از این رو باید در جستجوی نزدیک ترین مجازها بود، چون به حکم عقل باید با در نظر گرفتن عدل الهی آن را از معنای حقیقی اش گرفته، معنایی مجازی برایش یافت.

شاید معنای سخن امام صادق علیه السلام که فرمودند: «ضمن الارض ومن علیها دمک و ثارک؛ [خدا] زمین و زمینیان را ضامن خون و خونخواهی تو گرداند» این است که تنها خونخواهی و انتقام از قاتلان امام حسین علیه السلام

(۶۶)

۱. برگرفته از بیانات حضرت آیت الله العظمی شیرازی، ۷ محرم الحرام ۱۴۳۵ق.



و کشتن آن‌ها مقصود نیست و در مورد انسان‌ها این است که باید در برابر قضیه آن حضرت مسئولیت‌پذیر باشند.

بنابراین همگان باید با تمام توان، امکانات، زبان، قلم، دارایی، اندیشه، عقل، حضور و مشارکت در شعائر مقدس حسینی علیه السلام و تشویق به برپایی آن، قضیه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و اهداف عاشورا را یاری کنند. روشن باشد که شهادت امام حسین علیه السلام را در این دنیا به هیچ وجه نمی‌توان جبران کرد.

راز دوبار لعن کردن معاویه در زیارت عاشورا

در اینجا به نکته‌ای مهم اشاره می‌کنم و آن این است که هیچ می‌دانید چرا در زیارت عاشورا - که حدیثی قدسی است و از سوی خدای متعال نازل شده - معاویه دوبار لعن شده است؟

جواب این است که معاویه در دو کار بد شریک بود:

۱. در توطئه اولی، دومی و سومی؛ از این رو معاویه از اصحاب تابوت است که در قعر جهنم در افکنده خواهد شد، اما پسرش یزید و پدرش ابوسفیان از اهل تابوت نیستند.

۲. معاویه بیست سال با رسول خدا صلی الله علیه و آله جنگید و دیگران را غالباً به جنگ با پیامبر صلی الله علیه و آله تحریک و تشویق می‌کرد، برخلاف آن سه نفر که دشمنی خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله پنهان می‌داشتند. بنابراین، هر کس با راه و روش امام علی بن ابی طالب علیه السلام ستیز کند از پیروان روش و منش معاویه است.



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

روزی یکی از ندیمان معاویه به او گفت با علی جنگیدی و او را کشتی و کردی آنچه را کردی. هدف تو از این کارها چه بود؟ بنا به نقل تاریخ، معاویه مَهر خود را به او نشان داد و گفت تا نامه ها با این، مهر شود.

همچنین نقل شده است که او پس از قرارداد با امام حسن علیه السلام در میان مردم عراق سخنانی ایراد کرده و گفت: به خدا سوگند، با شما جنگیدم که نماز بخوانید، روزه بگیرید، به حج بروید و زکات بدهید که شما چنین می کنید، بلکه با شما جنگیدم که بر شما حکومت کنم.



شرح مختصری بر عبارت:

«السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره»^۱ سلام و درود بر تو و بر پدر تو؛ ای که مظلومانه خونتان در راه خدا ریخته شد و کسی جز خدا منتقم و طلب کننده آن خون به ناحق ریخته شده نیست!».

معنای ثارالله^۱

«السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره» که در زیارت امام حسین علیه السلام آمده از حیث لغت عرب، یعنی: سلام و درود بر توای شهید مظلوم و فرزند شهید مظلومی که منتقم و طلب کننده خون به ناحق ریخته شده شما خداست. بنابراین اگرچه گفته شده است که یکی از معانی «ثار» خون است اما معنی جمله «ثارالله» که در زیارت آمده هرگز به معنای خون خدا نمی باشد، و این معنا به هیچ وجه صحیح نیست، چرا که خدای متعال جسم نیست تا - والعیاذ بالله - خون داشته باشد. در نتیجه گرچه گفته شده باشد که «ثار» به معنای خون است اما معنای جمله «ثارالله» در این قطعه از زیارت که می گوید: «السلام علیک یا ثارالله و بن ثاره» آن نیست بلکه یعنی: سلام و درود بر تو و بر پدر تو؛ ای که مظلومانه خونتان در راه خدا ریخته شد و کسی جز خدا منتقم و طلب کننده آن خون به ناحق ریخته شده نیست!

بنابراین در این جمله شهادت می دهیم که «یا ابا عبدالله! شما کسی هستید که انتقام گیرنده خون شما، خداست». و لذا باید مؤمنان بلکه مسلمانان و همه جهانیان بر حذر باشند از کاری یا گفتاری که آنان را به نوعی در خون حضرت سہیم می کند تا - والعیاذ بالله - دست انتقام الهی آنان را در بر نگیرد و شامل حال آنان نشود.

(۷۰)

۱. خورشیدی از افق کربلا، صفحه ۲۹۹.



شرح مختصری بر عبارت:

«اللهم اجعلني عندك وجيهاً بالحسين عليه السلام في الدنيا و الآخرة»^۱ بار خدایا! به حق حسین علیہ السلام مرا در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند گردان.

آبرومندی ربانی^۱

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ بار خدایا! به حق حسین علیه السلام مرا در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند گردان.»

این عبارت در زیارت عاشورا که از احادیث قدسی به شمار می آید، آمده است. زیارت عاشورا از اعتبار و استحکام زیادی برخوردار است و هیچ کس نمی تواند آن را انکار کند؛ زیرا انکار آن، در واقع به معنای انکار زیارت وارث و زیارت اربعین و زیارت جامعه و زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفة و زیارت رسول خدا ﷺ و شماری از زیارت های دیگر است؛ چرا که همه این روایات دارای یک نظم و نسق می باشند.

اما زیارت عاشورا از دعا های بسیار پرمغز و با اهمیت به شمار می آید، و یکی از نعمت ها و الطاف الهی است که خدا به بندگانش ارزانی داشته است؛ چرا که آن را خدای متعال توسط جبرئیل امین بر رسول کریم خود نازل فرموده و امامان معصوم مائة السالوات آن را به ما ابلاغ نموده و روایت کرده اند. در هر حال زیارت عاشورا در واقع، یک زیارت خاص و حدیث قدسی تلقی می شود.

ما در خطاب خود به رسول خدا ﷺ و سایر معصومان از عبارت «یا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ» استفاده می کنیم. پس، وجاهت و آبرومندی و احترام نزد خدا یک مقام بسیار والا است. زمانی که این عبارت مهم از زیارت

(۷۲)

۱. خورشیدی از افق کربلا، صفحه ۳۷۲.



عاشورا را می خوانیم باید به عمق معنای آن توجه داشته باشیم و ژرفای محتوایش را در نظر بگیریم و بدانیم که کسب و جاهت و آبرومندی نزد خدا شروطی دارد که آسان نیستند.

یکی از این شروط این است که دارای خصلت گذشت و بخشندگی باشیم؛ چرا که امام حسین علیه السلام مظهر تامّ و تمام این خصلت بزرگ بود و ما نیز باید به این خصلت آراسته باشیم و در این راه حسینی که آن را برای خود برگزیده ایم باید از بسیاری چیزها دست بشویم.



شرح مختصری بر عبارت:

«أشهد أنك طُهر طاهر مُطَهَّر من طُهر طاهر مطَهَّر، طَهَّرت و
طَهَّرت بك البلاد وطَهَّرت أرض أنت بها و طَهَّر حرمك؛^۱
گواهی می‌دهم که تو پاک و پاکیزه و مطهّری و فرزند پاک و پاکیزه و
مطهّر می‌باشی. تو پاکی و شهرها به واسطه تو پاک شد و زمینی که تو در
آنی پاک است و حرم تو پاک است».

از نسل پاکان^۱

در یکی از زیارت‌های امام حسین علیه السلام که بزرگان آن را از کامل الزیارات مرحوم ابن قولویه قمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند، آمده است:

«أشهد أَنَّكَ طَهْرٌ طاهرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طاهرٍ مطَهَّرٍ، طَهْرَتٌ وَ طَهَّرْتَ بِكَ البلادَ وَطَهَّرْتَ أَرْضَ أَنْتَ بها وَ طَهْرٌ حرمك؛ گواهی می‌دهم که تو پاک و پاکیزه و مطهّری و فرزند پاک و پاکیزه و مطهّر می‌باشی. تو پاکی و شهرها به واسطهٔ تو پاک شد و زمینی که تو در آنی پاک است و حرم تو پاک است».

امام صادق علیه السلام در این جمله که خطاب به جدّش امام حسین علیه السلام بیان می‌فرماید، ده بار کلمه «پاک» را به کار برده است، و نسبت دادن پاکی به امام، اگر مقصودش از آن عصمت باشد، بدان معناست که امام حسین عیله السلام در این زمینه خصوصیتی دارد که فقط برادرش امام حسن علیه السلام در آن با او شریک است؛ چرا که تنها این دو امام از پدر و مادری معصوم و پاک هستند. درست است که جدّ این دو بزرگوار، یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله، برترین و پاکترین انسان‌های عالم بود، اما پدر و مادرش معصوم نبودند، اگر چه پاک بودند اما عصمت بالاترین درجهٔ طهارت و پاکی است. پدرشان امیرمؤمنان علیه السلام نیز همین طور. پدر و

(۷۶)

۱. خورشیدی از افق کربلا، صفحه ۳۸۴.



مادرش پاک بودند اما معصوم نبودند. سایر امامان معصوم از نسل امام حسین علیه السلام نیز همگی از طرف پدر معصوم بودند اما مادرانشان در عین حال که پاک بودند معصوم نبودند. پس، تنها امام حسن و امام حسین علیه السلام هستند که هم پدرشان معصوم است و هم مادرشان. لذا، امام صادق علیه السلام خطاب به جدش امام حسین علیه السلام می فرماید: «گواهی می دهم که تو پاک و پاکیزه و مطهری و فرزند پاک و پاکیزه و مطهری هستی». معصوم بودن این چهارده انسان پاک و مطهر قولی است که شیعه امامیه بر آن اتفاق نظر دارند.

بحث در این بند از زیارت حائز اهمیت فوق العاده ای است؛ چراکه این جمله، عبارت منحصر به فردی است و نظیر آن درباره احدی جز این بزرگوار وارد نشده است. در این بند نکات مهمی، چه از جنبه لغوی و بلاغی و چه از جنبه عقیدتی، نهفته که هنوز مورد بحث واقع نشده اند.

پاکی، مراتب بالایی دارد؛ پس بیایید آن را نصب العین خود قرار دهیم و بکوشیم این ویژگی را در وجود خود پیاده کنیم. اگر ماه محرم الحرام بهترین فرصت برای گرفتن چنین تصمیمی می باشد، پس باید این فرصت را غنیمت شماریم، و به یاد داشته باشیم که پاکی تأثیر پذیر است و این امکان وجود دارد که با گناه و معصیت به سرعت آلوده شود، درست مانند آب پاک که با ملاقات نجاست نجس و آلوده می شود. گناهان، آلودگی و نجاست هستند؛ پس اجازه ندهید که وجود پاک شما را آلوده سازند.

(۷۷)

روزی یک نفر عالم معمولی بر میرزای بزرگ وارد شد. میرزا از



جایش بلند شد و به گرمی از او استقبال کرد و پیشانی اش را بوسید. طلاب حاضر در مجلس متعجب شدند! چرا که آن روزها میرزا به سبب ضعف و پیری اش، برای کسی از جا بلند نمی شد، چه رسد به آن شخص که از مقام و مرتبه علمی چندانی هم برخوردار نبود. مجلس که آرام شد، یکی از طلاب از میرزا پرسید این آقای که شما برایش بلند شدید و احترامش نهادید، کیست؟ میرزا گفت: او از آن کسانی است که می ترسم روز قیامت به حالشان غبطه بخورم. سؤال شد: چطور؟ گفت: ما در بحث خارج با هم درس می خواندیم. روزی به گوشش رسید که در عراق روستاهایی وجود دارد که نیاز دارند کسی به آنجا برود و امور و احکام دینشان را به آنها بیاموزد؛ زیرا، اهالی این روستاها بی سوادند و بسیاری از احکام اسلام را نمی دانند. او احساس مسئولیت کرد و درس و بحث و پیشرفت علمی را رها کرد و برای پاسخ دادن به ندای وظیفه ای که احساس کرد رهسپار این روستاها شد و ابتدا کودکان آنها را خواندن و نوشتن آموخت سپس به تعلیم دادن احکام دین به بزرگترها پرداخت تا این که سرانجام موفق شد سطح فکر و فرهنگ اهالی این روستاها را بالا ببرد و برایشان مراکز علمی و دینی و عبادی بسازد.



شرح مختصری بر عبارت:

«والسبيل الذي لا يخلج دونك في الدخول في كفالك

التي أُمِرَتْ بها؛^۱ به راه راست استوار راهنمایم شوی که از ورود در
کفالت تو که خدا بدان فرمانت داده بازم ندارد».

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۷۶؛ کامل الزیارات، ص ۳۶۵.

کفالت امام حسین علیه السلام

در یکی از زیارت‌های مخصوصهٔ امام حسین علیه السلام - که به نقل شیخ صدوق قدس سره از صحیح‌ترین زیارت‌های حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و مرحوم شیخ عباس قمی قدس سره در زیارات مطلقهٔ امام حسین علیه السلام و مرحوم اخوی در کتاب «الدعاء والزيارة» به عنوان دومین زیارت نقل کرده‌اند - جمله‌ای وجود دارد که در زیارات دیگر نیست و آن این که خطاب به امام علیه السلام عرض می‌کند: «والسبیل الذی لا یختلج دونک فی الدخول فی کفالتک التی أمرت بها...»^۲ به راه استوار راهنمایم شوی که از ورود در کفالت تو - که خدا بدان فرمانت داده - بازم ندارد».

به نظر بنده ارزش این جمله از کل دنیا بیشتر است، چرا که در این یک جمله به اندازهٔ یک کتاب سخن نهفته است که اجمالاً معنی آن را عرض می‌کنم.

در اسلام «کفالت» داریم و «ضمانت». ضمانت مربوط به امور مالی است، مثلاً شما از شخصی پول طلب دارید، شخص دیگری او را ضمانت می‌کند. در این مورد اگر بدهکار، بدهی خود را نپردازد شما به ضامن مراجعه می‌کنید، اما کفالت در مورد شخص است، مانند متهمی که هنوز موعد دادگاهش فرا نرسیده و او را در بازداشت نگه می‌دارند.

(۸۰)

۱. کشتی‌بان هدایت، صفحه ۵۱.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۷۶؛ کامل الزیارات، ص ۳۶۵.



شخص معتبری به دادگاه می‌رود و می‌گوید: شما این متهم را آزاد کنید، هر وقت لازم شد، خودم او را به دادگاه می‌آورم. این معنای کفالت است.

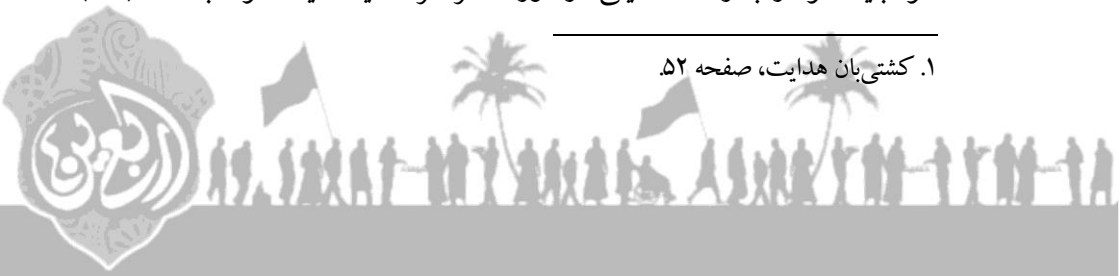
آنقدر که بنده خوانده‌ام و شنیده‌ام، در میان چهارده معصوم علیهم‌السلام این جمله فقط در مورد امام حسین علیه‌السلام وجود دارد، یعنی حضرتش عده‌ای از بندگان را کفالت می‌کند، بدین صورت که امام علیه‌السلام در دادگاه عدل الهی شخص را آزاد می‌کند.

در این زیارت عرض می‌کنیم: «یا ابا عبدالله، کفالت من را به عهده بگیر». این گونه خواستن را امام صادق علیه‌السلام به شیعیان آموزش داده‌اند.

از امام حسین علیه‌السلام چه بخواهیم؟^۱

حقیقت این است اگر از امام حسین علیه‌السلام پول بخواهیم، سرانجام تمام می‌شود و اگر فرزند بخواهیم روزی از او جدا می‌شویم. بنابراین ارزش هیچ کدام از این‌ها به کفالت امام حسین علیه‌السلام نمی‌رسد و جای آن را پر نمی‌کند.

باید توجه داشت که امام حسین علیه‌السلام هر کسی را کفالت نمی‌کنند، بلکه برخورداری از کفالت ایشان شروطی دارد و آمادگی و قابلیت می‌خواهد. حال اگر کسی بخواهد از این عطیه امام حسین علیه‌السلام برخوردار شود باید خود را به رنگ حسینی در آورد. اگر فرد کثیف یا آلوده به



نجاست به شما التماس کند که او را به مجلس عالمان، پرهیزگاران و مؤمنان ببرید، یقیناً شما نمی‌پذیرید، زیرا می‌دانید اجابت چنین خواسته‌ای اهانت به اشخاصی است که در آن مجلس حضور دارند. امام حسین علیه السلام نیز کسی را کفالت می‌کنند که لیاقت داشته باشد و البته کلید این لیاقت در دست خود شخص است.

مسلمان کسانی به خدمت اهل بیت علیهم السلام راه می‌یابند، که با آنها سنخیت داشته باشند. پس خود را وارسیم و بینیم چه مقدار با اهل بیت علیهم السلام تناسب داریم؟ و البته این سنخیت و تناسب با دینداری تحقق می‌یابد. اهداف مقدس امام حسین علیه السلام که به شهادتشان انجامید، بر کسی پوشیده نیست و آن حضرت خود و فرزندان و برادران و اصحاب را حتی شیرخواره‌شان را در راه اسلام و حفظ دین فدا کردند و بی‌پروای از دشمن و دین‌ستیزان، به زبان حال فرمودند: «اگر دین محمد صلی الله علیه و آله جز به کشته شدنم قوام نمی‌یابد؛ پس ای شمشیرها مرا بگیرید!».

مضمون آن این است که قیمت دین از من بیشتر است، پس من خود را فدای دین می‌کنم.

حال اگر کسی درباره ماهیت دین پرسد، پاسخ این است که دین، یعنی واجبات، محرمات، مستحبات، مکروهات و مباحات. از این رو هر قدر پایبندی انسان به دین بیشتر باشد، به امام حسین علیه السلام نزدیک‌تر است.



شرح مختصری بر عبارت:

«وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ
الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۱ خدایا برای من
نزد خود قدم صدقی با حسین و یارانش قرار ده؛ همان کسانی که خون
قلبشان را فدای امام حسین کردند».

۱. کامل الزیارات، ص ۳۳۲.

گام های راستین

در فقره آخر زیارت عاشورا - که حدیث صحیح قدسی است و به واسطه معصومان علیهم السلام از سوی خدا به دست ما رسیده - آمده است: «وَأَجْعَلْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ، وَأَصْحَابِ الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَذَلُوا مَهَجَّهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عليه السلام؛^۱ خدایا! برای من نزد خود قدم صدقی با حسین و یارانش قرار ده؛ همان کسانی که خون قلبشان را فدای امام حسین علیه السلام کردند». (و خود را جلو انداختند تا امام حسین زودتر کشته نشوند).

تعبیر «قدم صدق» در اینجا شایسته تأمل فراوان است. قدم به همان معنای گام و قدم فارسی است ولی قدم راست یا قدم راستین چه معنایی دارد؟ مگر قدم انسان راست و دروغ دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است. قدم از این جهت مثل لسان و لسان صدق است که در قرآن از آن سخن رفته است. خدای متعال از زبان ابراهیم علیه السلام می فرماید: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»^۲ [پروردگارا!] برای من در میان امت های آینده، زبان صدق و آوازه نیکی قرار ده.

زبان انسان همان طور که ممکن است راست بگویند، ممکن است گاهی به گفتار دروغ بپردازد. به همین سان، «قدم صدق» هم داریم و



بهترین شاهد آن خود قرآن کریم است که می فرماید: ﴿وَشَرِّ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَّهُمْ قَدَمٌ صَدَقَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛^۱ به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که نزد پروردگارشان قدم صدق [و منزلتی راستین] دارند﴾. این معنا در متون روایی و دعاها و زیارات نیز بارها آمده است؛ برای نمونه در دعای روز غدیر می خوانیم: «**واجعل لنا قدم صدق مع المتقین**»؛ [پروردگارا] برایم به همراه پرهیزگاران قدم صدقی ثبت و ضبط بفرما».

«قدم» در چنین مواردی کنایه از «اقدام» است. چنان که می دانیم همه اقدام ها با «قدم» و حرکت و رفتن آغاز می شود؛ مثلاً کسی که قصد اقامه شعائر حسینی دارد از جا برمی خیزد، در مجلس عزای حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) شرکت می کند، منبری دعوت می کند، در هیئت ها حضور می یابد، حسینیه می سازد، کمک و تشویق می کند و

از آنجا که همه اقدام ها با «قدم» نخست آغاز می شود، قدم در کلام فصیح کنایه از اقدام است.

این کلمه در فقره پایانی زیارت عاشورا نیز آمده است. کسی که زیارت عاشورا می خواند در پایان زیارت و در حالت سجده از درگاه باری تعالی قدم صدق می طلبد. و می گوید: خدایا! چنان کن که این

۱. سورة یونس، آیه ۲.

۲. شیخ مفید، کتاب المزار، ص ۹۴ (۴۷ - باب الصلاة يوم الغدير ورعائه)؛ مصباح المتعبد، ص ۷۵۰. در نسخه تهذیب عبارت یاد شده بدین گونه است: «**واجعل لنا قدم صدق مع النبیین**».



زیارت و اقدام من «راست» باشد. مگر کسی که زیارت عاشورا را با آن همه لعن و سلام و تعابیر والا می خواند و امام را با چنان تعابیر ژرفی زیارت می کند، اقدام نیکویی انجام نداده است؟! شخصی در چنین مقام چرا باید به سجده برود و از خدا بخواهد این اقدام او را اقدامی راستین ثبت و ضبط بفرماید؟ مگر ممکن است چنین کاری «راست» نباشد؟ اساساً راست نبودن چنین اقدامی چگونه متصور است؟

در پاسخ این پرسش ها باید گفت: چرا که نه. زهیر بن قین رضوان الله علیه با امام حسین علیه السلام به کربلا آمد. بیش از هزار تن دیگر نیز مثل زهیر بن قین با حضرت به کربلا آمدند. آن ها هم همان اقدامی را انجام دادند که جناب زهیر بن قین کرد، و درست در همان راهی قدم نهادند که زهیر نهاد. ولی قدم آنان بر خلاف قدم راستین او، «قدم کذب» بود؛ چون همه آنان شب عاشورا امام را تنها گذاشتند. اگر قدم آنان، قدم صدق بود مانند زهیر در کنار امام خود می ماندند و سعادت دنیا و آخرت را برای خود می خریدند.

در این زیارت شخص از خدا می خواهد او را از کسانی قرار ندهد که برای امام حسین علیه السلام قدم های دروغین برداشته اند. همان کسانی که کار را به پایان نرساندند و در نهایت به اشکال تراشی در عزاداری، یا مبارزه با عزاداران پرداختند. چنین کسانی هر چند ابتدا در مسیر درستی بودند و اقداماتی داشتند ولی قدم ها و اقداماتشان دروغ بوده است. دلیل دروغ بودن اقداماتشان عاقبت آنان است. این افراد تحت شرایط خاصی از ادامه راه بازماندند و مسیر خود را عوض کردند. اگر اقدامات آنان



راستین بود، چنین نمی شد و همان مسیر صحیح را ادامه می دادند. برخی از افراد در طول تاریخ برای امام حسین علیه السلام اقدامات به ظاهر خوبی انجام دادند و شعائر حسینی را تشویق کردند و در راه گسترش عزاداری قدم برداشتند و حتی بعضاً خود نیز در اقامه عزای شرکت می جستند ولی بعدها به مخالفت با عزاداران و کارشکنی در شعائر پرداختند.



شرح مختصری بر عبارت:

«اللهم اجعل محياي محيا محمد و آل محمد، و مماتي

ممات محمد و آل محمد؛ بار خدایا! زیستن مرا همانند زیستن

محمد و آل محمد و مردنم را چونان مردن محمد و آل محمد قرار ده».

زیستی چون زیستن آل محمد ﷺ

هر آنچه خاندان عصمت و طهارت برای ما آورده اند تماماً از جانب خدای متعال است و آنان چیزی از خود نیاورده اند، از جمله زیارت عاشورا که حدیثی قدسی است و خدای عزوجل آن را فرو فرستاده و با دیگر زیارت هایی که حضرات معصومین علیهم السلام با آن ها زیارت می شوند متفاوت است. در این زیارت شریف آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مُحْيَا مُحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛^۱ بار خدایا! زیستن مرا همانند زیستن محمد و آل محمد و مردنم را چونان مردن محمد و آل محمد قرار ده».

دو واژه «محیا» و «ممات» مصدر میمی و به معنای زندگی و مرگ است. پر واضح است انسان زمانی مردن محمد و آل محمد خواهد داشت که زندگی اش همانند زندگی آن پاکان باشد و زندگی این چنین مرگ آن سان در پی خواهد داشت. در این معنا پرسشی مطرح می شود و آن این است که چگونه می توانیم زیستن محمد و آل محمد داشته باشیم تا در نتیجه مرگمان نیز چونان مردن محمد و آل محمد باشد؟

پاسخ این است که: نیل و رسیدن به این مقام والا و بالا تلاش و دعا را یکجا می طلبد، که با تلاش تنها و بدون توفیق الهی نمی توان به این مقام رسید، چرا که خدای متعال می فرماید: «قُلْ مَا يَعْبَأُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۲ بگو:

(۹۰)

۱. کامل الزیارات، ص ۳۳۰.

۲. سورة فرقان، آیه ۷۷.



اگر دعای شما نباشد پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند. از دیگر سو با دعای بدون تلاش نیز به این مرتبه عالی نمی توان رسید، زیرا خدای متعال می فرماید: ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

در قنوت نماز عید فطر می خوانیم: «أَسْأَلُكَ ... وَ أَنْ تَدْخُلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ»^۱ از تو می خواهم در هر خیری که محمد و آل محمد را داخل کردی مرا داخل کنی و از هر شر و بدی که محمد و آل محمد را از آن خارج کردی مرا نیز خارج کنی.

بی تردید شریک و همسان شدن با محمد و آل محمد عليه السلام مقام والایی است که افزون بر دعا و تضرع، همت و تلاش را نیز می طلبد.

اخلاص، سعی و اخلاق

نیل به این مقام عالی، پابندی به سه امر مهم: اخلاص، سعی و اخلاق نیکو را می طلبد. توجه داشته باشیم که اخلاص اهمیت و جایگاه والایی در عمل و مقبولیت آن دارد و در این باره هرچه گفته شود ناچیز و اندک است. امامان معصوم هرچه می گفتند و هرچه انجام می دادند فقط و فقط خشنودی خدای سبحان را مد نظر می گرفتند، پس ما هم باید از آنان

۱. سورة نجم، آیه ۳۹.

۲. مفاتیح الجنان، نماز عید فطر.



بیاموزیم. افزودن بر اخلاص، همت و تلاش هم باید در کار باشد. با مرور آنچه بر حضرت سیدالشهداء علیه السلام رفت در خواهیم یافت که محور کار و اقدام ایشان سعی بود و اگر می خواستند، می توانستند از اسباب و امدادهای غیبی استفاده کنند، ولی چنین نکردند. فراموش نشود که خدای متعال به او اجازه داد تا از معجزه استفاده کند و فرشتگان و جنیان به خدمت ایشان رسیدند و اعلام آمادگی برای خدمت به ایشان کردند، اما آن حضرت نپذیرفت.

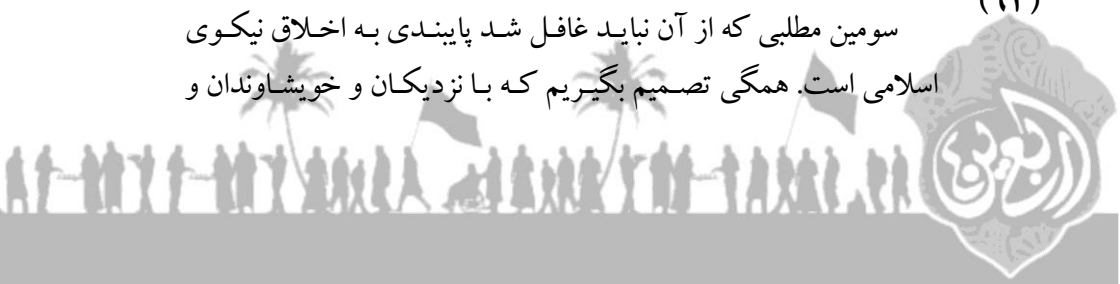
بنابراین ویژگی همت و تلاش را باید از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فراگیریم و به آن پایبند باشیم.

من و برخی از برادران فعال در دفتر به یاد داریم که مرحوم اخوی (مرجع راحل حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد حسینی شیرازی قدس سره) ساعت های آخر عمر خود را چگونه سپری کردند. ایشان در آن ساعت ها در میان مؤمنان حضور یافتند و با آنان گفتگو کردند و به پرسش هایشان پاسخ دادند، سپس به مسأله رؤیت هلال پرداختند و پس از ثابت شدن اول ماه، آن را اعلام کردیم و در آخرین لحظات عمرشان، یعنی ساعت ۱/۳۰ بامداد که وارد خانه شدند چند سطری درباره حضرت زهرا علیها السلام نوشتند و بدین ترتیب، جان به جان آفرین سپردند.

دانش آموختگان و پرورش یافتگان خاندان عصمت و طهارت باید این گونه باشند و لحظه ای از همت و تلاش باز نایستند.

(۹۲)

سومین مطلبی که از آن نباید غافل شد پایبندی به اخلاق نیکوی اسلامی است. همگی تصمیم بگیریم که با نزدیکان و خویشاوندان و



آشنایان و همسایگان و همکاران خوش اخلاق باشیم و بدانیم که حضرات معصومین علیهم السلام در زندگی این گونه بوده‌اند. آنان که با ما به نیکی رفتار کرده‌اند جای خود دارند، اگر بر آن باشیم که با آن دسته از افرادی که با ما بدی کرده‌اند نیکی کنیم، چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله با بدکرداران به ایشان نیکی می‌کردند، زندگی ما همان زندگی محمد و آل محمد خواهد بود و اگر این رویه ادامه داشته و پیوسته باشد، قطعاً مرگ ما نیز همانند مرگ آنان خواهد بود.

ممکن است گفته شود که با بدکار باید مقابله به مثل کرد، چرا که خوش رفتاری با چنین فردی او را بد اخلاق تر می‌کند. چنین نگرشی درست نیست و دلیل بر این ادعا تعامل حضرات معصومین علیهم السلام است و تعامل اخلاق مدارانه آنان گمراهان را در راه راست قرار داد و آنان را متحول ساخت. حال اگر امامان معصوم علیهم السلام با منحرفان به سختی و درستی سخن گفته و برخورد می‌کردند، منحرفان، راه نیافته و در شمار دوزخیان می‌بودند و این امر مایهٔ بسی تأسف است.

آنچه نباید مورد غفلت قرار گیرد این است که امام حسین علیه السلام با زبان و بیان و اخلاقی با سپاه دشمن سخن گفتند که سبب شد برخی از آنان بازگشته در صف بهشتیان قرار گرفتند. خادمان امام حسین علیه السلام برای اینکه بتوانند مسیر حضرتش را بیمایند باید از ایشان یاری جویند. خدای متعال همگان را توفیق آراستگی به اخلاق حسنه، اخلاص و تلاش بی‌امان و پیوسته عنایت فرماید.



درس ها و حکایت ها

تقدم شعیره زیارت اربعین امام حسین علیه السلام

خدا، گذشتگان را رحمت کند، مرحوم والد ما (میرزا مهدی شیرازی که خدایش رحمت فرماید) در عمل و گفتار پایبند و معتقد بودند که شعائر مقدس حسینی بر دیگر شعائر اسلام گاهی و عند التزاحم (تزامم اصطلاحی حوزوی است، یعنی دو مورد مطلوب است لکن یکی مقدم است و رجحان دارد) مقدم است.

سالخوردگانی که نماز جماعت ایشان را در صحن مقدس امام حسین علیه السلام در رک کرده اند، به یاد دارند که مرحوم والد علیه السلام، صبح، ظهر و شب در صحن ملکوتی امام حسین علیه السلام نماز جماعت می خواندند اما در موسم اربعین حسینی و به دلیل تردد دسته های عزاداری حسینی در صحن امام حسین علیه السلام برای اقامه نماز جماعت با تمام فضیلت هایی که دارد، به صحن نمی رفتند و در برابر اصرار مؤمنان برای اقامه نماز جماعت می فرمودند: «به همین مقدار هم نمی خواهم مزاحم شعائر مقدس حسینی شوم».

آن زمان تعداد دسته های عزادار به این زیادی نبود و البته شبانه روز در

تردد بودند. با توجه به اینکه نماز جماعت از شعائرهای اسلام است، اما (۹۴)

ایشان به همین مقدار هم نمی خواستند مزاحم عزاداری باشند.



پاداش بی مانند^۱

داستانی را دربارهٔ عنایت حضرت سیدالشهداء علیه السلام و پاداش کسانی که در راه حضرتش خدمت می کنند، بیان می کنم، این داستان بر من تأثیر گذاشته است و از خاطرم محو نمی شود.

توضیحاً عرض می شود که سراسر صحن ملکوتی حضرت سیدالشهداء علیه السلام به صورت سرداب است و از طریق روزنه هایی با ابعاد ۶۰×۶۰ سانتی متر می توان وارد آن شد. این روزنه ها با سنگ پوشانده شده است. امواتی را که برای دفن به کربلا می آوردند و قرار بود در صحن مبارک دفن شوند، از همین روزنه ها به آرامگاهش می سپردند. سالخوردگانی که حدود ۴۵ - ۵۰ سال قبل در کربلا بودند یادشان می آید که شخصی متدین متصدی به خاک سپردن اموات در صحن حضرت سیدالشهداء علیه السلام بود. من نیز او را دیده و با وی هم صحبت شده بودم. او دانش آموخته نبود، ولی با روحانیان و علما حشر و نشر داشت و وقت فراغت خود را با آنان سپری می کرد و از همین جهت، پر اطلاع بود.

من در روزگار پیری و تقریباً از کار افتادگی اش به او رسیدم که در آن هنگام کارگران و فرزنداناش کار دفن اموات را بر عهده داشتند

(۹۵)

۱. گنجینهٔ درس ها و حکایت ها، ص ۱۸۸.



و او فقط نظارت می کرد.

او می گفت روزی بانویی سالخورده که از دنیا رفته و از مردم روستاهای اطراف کربلا بود و در باغی زندگی می کرد را برای دفن در صحن امام حسین علیه السلام آوردند و برای دفنش او را فرا خواندند. طبق معمول اگر میت مرد باشد، متصدی دفن وارد قبر شده، بند کفن را گشوده، گونه اش را روی خاک می گذارد و اگر میت زن باشد، یکی از محرم های او کیفیت گشودن بند کفن و گذاشتن چهره میت روی خاک را از مأمور دفن می آموزد، آن گاه وارد قبر شده، کار را به انجام می رساند. آن پیرمرد به تشیع کنندگان گفت یکی از محارم میت بیاید تا کیفیت مراحل نهایی دفن را به او بگوید.

گفتند او تنها یک پسر جوان دارد که ممکن است در کنار جسد مادر دچار مشکل شده و صدمه روحی ببیند. تو را انسانی متدین می دانیم و به این صفت می شناسیم، پس خودت این کار را انجام ده. در آن زمان بقعه های داخل صحن برای دفن افراد سرشناس و عالمان بود، اما اموات معمولی را در همان سرداب، رو به قبله می خواباندند و او را به سنگی تکیه می دادند تا از جهت قبله منحرف نشود و به قفا نیفتد.

(۹۶)

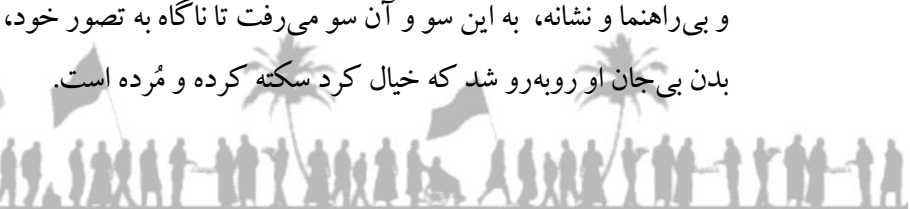
متصدی دفن برای یافتن راه و عدم برخورد با اجساد اموات دیگر، شمع یا چراغی روشن می کرد و با خود به سرداب می بُرد. ماندن او در



سرداب برای خاکسپاری اموات، به محل دفن بستگی داشت که نزدیک باشد یا دور و به همین جهت کار دفن میت و بالا آمدن متصدی دفن گاهی تا پانزده دقیقه طول می کشید. آن زن سالخورده نیز می بایست در همین سرداب دفن می شد.

متصدی دفن اموات می گفت با اینکه همه روزه امواتی را در آنجا دفن می کرده، علی رغم نبودن جریان هوا، هرگز بوی بد استشمام نمی شد. این در حالی بود که اموات، مردم عادی بودند، نه ابوذر و سلمان که بدنشان متلاشی نشود. به هر حال، آماده شد تا - چنان که رویه کار ماست - بند کفن آن زن را باز کند و به آهستگی، به گونه ای که چهره و موی سرش آشکار نشود، کفن را از پشت سرش بکشد و بدین ترتیب گونه اش روی خاک قرار گیرد.

تا اینجا مجرای زیبا از زبان متصدی دفن اموات نقل شد. حال دنباله مطلب را از زبان افرادی که بالا بودند بشنویم. یکی از افراد می گفت زمانی نسبتاً طولانی گذشت و از متصدی دفن خبری نشد. سر را داخل روزنه کردند و او را صدا زدند، اما جوابی نیامد. به فکر افتادند که او از چیزی نمی ترسد تا احتمال وحشت زده شدنش برود و اینکه با دیدن چیزی از هوش رفته باشد. یک نفر شمعی روشن کرد و وارد سرداب شد و بی راهنما و نشانه، به این سو و آن سو می رفت تا ناگاه به تصور خود، با بدن بی جان او روبه رو شد که خیال کرد سکنه کرده و مُرده است.



او را به هر ترتیبی که بود از سرداب بیرون آوردند و پس از اطمینان از اینکه نمرده است، با افشاندن آب بر صورتش، به هوش آمد و به این سو و آن سو نگاه کرد. وقتی جویای وضعیت و حال او شدند، اولین سخنش این بود: «فرزند این پیرزن کجاست؟». و در مقابل کنجکاوی آنان که از پسر میت چه می‌خواهد، گفت: «سؤالی از او دارم!».

پسر میت را آوردند و متصدی دفن از او پرسید مادرت با حضرت سیدالشهداء علیه السلام چه ارتباطی داشته؟ آیا در مناسبت‌هایی چون عاشورا و اربعین اطعام می‌کرده؟ مجلس روضه خوانی داشته؟ خلاصه برای دستگاه حضرت امام حسین علیه السلام چه می‌کرده است؟

پسر میت گفت به دلیل نزدیک بودن به کربلا، مقید بودند در مناسبت‌هایی، همچون: روز عرفه، عاشورا، اربعین و نیمه شعبان به زیارت حضرتش مشرف شوند و شب‌های جمعه را نمی‌توانستند به صورت مرتب به زیارت بیایند و لذا گاه‌گاهی این توفیق را می‌یافتند. در مورد برگزاری مجالس سوگواری و اطعام تمکّن مالی نداشتند، بلکه تمام آنچه به دست می‌آوردند، محصولات باغی بود که قسمتی از آن را برای مصرف خود نگاه می‌داشتند و بخش دیگر آن را می‌فروختند. ارتباط مادر او با حضرت سیدالشهداء علیه السلام این بود که هرگاه در باغ‌های همسایه مجلس عزای سالار شهیدان علیه السلام برگزار می‌شد،



پسرش را با خودش به روضه می برد. مادرش نیز اهل نماز و روزه بود و گاهی نیز نمازشب می خواند. آنچه از محصولات باغ به دست می آمد، تنها برای تأمین زندگی خودشان کافی بود و اضافه نداشت. از زمان کودکی مادرش به او می گفت محصول شش روز هفته برای هزینه زندگی شان است و درآمد یک روز هفته به امام حسین علیه السلام اختصاص دارد. بدین ترتیب، آنچه در روزهای پنجشنبه در اختیار داشتند استفاده نمی کردند. در آن روز او یا مادرش و گاهی هر دو از باغ بیرون رفته و در کنار مسیر زوار می ایستادند و آنچه مربوط به آن روز همراه داشتند به زائران پیاده و سواره حضرت سیدالشهداء علیه السلام که به کربلا می رفتند می دادند.

وقتی حاضران از متصدی دفن جویای ماجرا شدند، گفته بود: چون وارد سرداب شده است و جایی مناسب پیدا کرده، دست به کار شده که کفن از صورت پیرزن کنار بزند تا گونه اش بر روی خاک قرار گیرد. در آن تاریکی فراگیر که با وجود شمع، تنها تا دو قدمی خود را می توانست ببیند، ناگهان سرداب تاریک، همانند روز که خورشید تابنده آن را روشن کرده باشد، روشن شد و باغ بزرگی پیش رویش آشکار گشت که همانند آن را در تمام عمرش ندیده بود. پرندگان خوشنوا در آن به نواخوانی مشغول بودند.



دیگر از خود بی خود شد.

آنچه بیان شد خودم از او شنیدم، اما شخص دیگری به نقل از همان متصدی دفن این مطلب را از قول او اضافه کرد و گفته بود در آن حال سید بزرگواری را دیده است که درون باغ ایستاده بود؛ کسی چیزی نگفت که او کیست، اما به ذهنش خطور کرد که او حضرت سیدالشهدا علیه السلام است و از آن پس از خود بی خود شد و نفهمید چه شد. خدای متعال می فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ﴾^۱ در سرگذشت های آن ها درس عبرتی است ﴿﴾.

بنابراین، توفیق فداکاری در راه امام حسین علیه السلام گوارای افرادی که هر چه در توان دارند در این راه تقدیم می کنند.

برتری کربلا بر مکه^۲

در روایت آمده است که امام صادق علیه السلام فرمودند: خدای تبارک و تعالی برخی از زمین ها و آب ها را بر برخی از زمین ها و آب ها برتری بخشید. پس از آن برخی از زمین ها فخر فروشی کردند و به این جهت و به جهت خودداری از فروتنی در برابر خدا کیفر شدند و خدا



مشرکان را بر کعبه مسلط نمود و آب شوری را روانه زمزم کرد که مزه و طعم آن را ناگوار ساخت. اما زمین کربلا و آب فرات اولین زمین و آبی بودند که خدای تبارک و تعالی را تقدیس کردند. از این رو خدا نیز به آن‌ها برکت داد و به سرزمین کربلا فرمود: سخن بگو که خدا تو را برتری بخشیده است در حالی که آب و زمین‌ها به یکدیگر فخر فروشی می‌کنند.

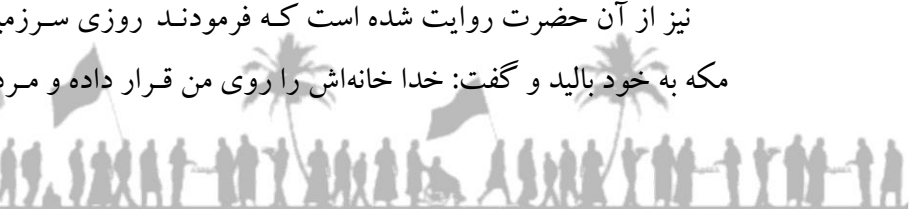
زمین کربلا گفت: من زمین مقدس و مبارک خدایم که خاک و آب من مایه شفا [و بهبود] است. و در برابر کسی که مرا چنین آفریده است فروتن و خوارم و بر زمین‌هایی که مرتبه پایین‌تری دارند فخر نمی‌فروشم بلکه خدا را سپاس می‌گزارم. سپس خدا به سبب فروتنی و سپاسگزاری زمین کربلا، آن را با امام حسین علیه السلام و یارانش کرامت و بزرگی بخشید.

در این روایت آمده است که زمین کعبه افتخار کرد اما بر کربلا افتخار نکرد، با این حال خدا آن را سرزنش کرد و آب شیرین زمزم را - که از حواشی کعبه است - شور ساخت.

گویا خدای متعال می‌خواهد نشان دهد که افتخار فقط از آن کربلاست.

(۱۰۱)

نیز از آن حضرت روایت شده است که فرمودند روزی سرزمین مکه به خود بالید و گفت: خدا خانه‌اش را روی من قرار داده و مردم



از دور و نزدیک به سمت من می آیند. منم که حرم امن الهی هستم. خدای متعال او را ملامت کرد و فرمود:

به عزت و جلالم سوگند، فضیلت تو نسبت به فضیلت و شرافت سرزمین کربلا همانند آب موجود بر سر یک سوزن خیس نسبت به دریاست. اگر سرزمین کربلا نبود تو را برتری نمی دادم و اگر آنچه در کربلاست نبود اصلاً تو را نمی آفریدم و خانه ای را که بدان فخر می کنی خلق نمی کردم. آرام بگیر و بدون سرپیچی و خودخواهی دنباله و وابسته ای فروتن، خوار و سرافکنده برای سرزمین کربلا باش و گرنه تو را مسخ می کنم و در آتش دوزخ می افکنم.

از روایات معصومین علیهم السلام آشکارا دریافت می شود که: «لا ارض ککربلا و لا یوم کعاشورا». چه لزومی دارد که انسان سخنی بر خلاف فرمایش معصومین علیهم السلام بگوید و آن گاه در صدد توجیه آن برآید؟ به هر حال زمین کربلا زمینی بی مانند و استثنایی است و روز عاشورا هم از استثنائات است.



غبار زائران سیدالشهدا علیه السلام^۱

مرحوم علامه امینی رضوان الله علیه در کتاب گرانسنگ الغدير آورده است: «در روزگار علامه حلی رضوان الله علیه شخصی بود به نام «خلیعی» یا «خلعی». او در خانواده‌ای دشمن اهل بیت علیهم السلام و با پدر و مادری ناصبی زندگی می‌کرد. مادرش به هر دلیلی که بوده، باردار نمی‌شد.

به منظور بچه‌دار شدن، نذر می‌کند که اگر خدا به او فرزندی بدهد و بزرگ و برومند شود، او را برای غارت، آزار و حتی کشتن زوار امام حسین علیه السلام بر سر راه آنان قرار دهد. سرانجام خدا به او پسری داد و پسر، بزرگ شد. زمان مناسب که فرا رسید، مادرش ماجرای نذر خود را با او در میان گذاشت.

جوان که با عقاید پدر و مادری ناصبی پرورش یافته بود، سلاحی برداشته، روانه می‌شود تا به نذر مادرش عمل کند.

روشن است که کربلای آن روزگار شهری آباد نبوده است و تعدادی خانه در آن می‌ساختند و دشمنان خراب می‌کردند و صورت قبری وجود داشته که آن را نیز مورد تعرض قرار داده، از بین می‌بردند.

(۱۰۳)

۱. گنجینه درس‌ها و حکایت‌ها، ص ۲۸۳.



خلیعی در اطراف شهر «مسیب» (که در مسیر کربلا و کاظمین در ۲۵ کیلومتری کربلا واقع است) بر سر راه زائران منتظر می نشیند تا در صورت رسیدن زائری، دارایی او را ربوده، حتی او را بکشد. مدتی انتظار می کشد و زائری از آنجا نمی گذرد. ناگهان خواب بر خلیعی چیره شد و به خواب رفت. در عالم رؤیا می بیند که قیامت بر پا شده است و او را وارد جهنم کردند، اما آتش او را نمی سوزاند. (توجه داشته باشیم که آتش طبیعتش سوزاندن است، اما آنجا که خدا نخواهد نمی سوزاند).

فرشتگان در شگفت شدند چرا آتش او را که دشمن امیرمؤمنان علیه السلام است نمی سوزاند. ملائکه (شاید رقیب و عتید، فرشتگان همراه انسان که اعمال نیک و بد او را ثبت می کنند) گفتند: وقتی که او بر سر راه زائران به خواب رفته بود، غباری که از حرکت زائران امام حسین علیه السلام برخاسته بود، بر بدن او نشسته است.

خلیعی از خواب بیدار شد و بلافاصله این دو بیت شعر را سرود:

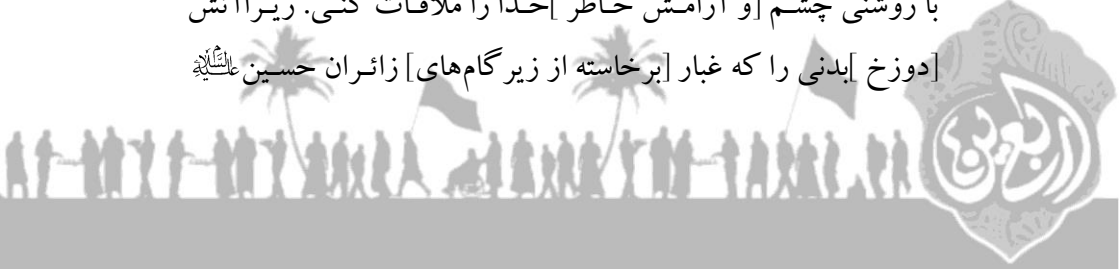
إِذَا شِئْتَ النَّجَاةَ فَرَّزْ حَسِيناً *** لِكَيْ تَلْقَى الْإِلَهَ قَرِيرَ عَيْنِي

فَإِنَّ النَّارَ لَيْسَ تَمَسُّ جِسْمًا *** عَلَيْهِ غُبَارُ زَوَارِ الْحُسَيْنِ

«چو خواهان رستگاری و نجات باشی، به زیارت حسین علیه السلام رو؛ تا

با روشنی چشم [و آرامش خاطر] خدا را ملاقات کنی. زیرا آتش

[دوزخ] بدنی را که غبار [برخاسته از زیر گام های] زائران حسین علیه السلام



بر آن نشستہ باشد، نمی سوزاند».

آن گاه توبه می کند و از شیعیان وارسته و ناب و از شاعران اهل بیت علیہ السلام می شود و شعرهایی عالی در رسای امیر مؤمنان علیہ السلام می سراید.

اگر کتاب الغدیر را ملاحظه کنید می بینید که خلیعی اشعاری به تمام معنا عالی و نغز و از نظر بلاغی کامل سروده است. علامه امینی قدس سره می نویسد: «از آن جهت که اشعار خلیعی بسیار است، نقل تمام آن ها برایم ممکن نیست و لذا از هر شعری یک بیت نقل می کنم».

آن گاه ۳۹ قصیده برای خلیعی بر می شمارد و بیت اول هر یک از قصائد او را می آورد و در مقابل هر بیت، تعداد ابیات آن شعر را می نویسد. مرحوم علامه می گوید: «اشعاری که از خلیعی به دست آورده ام، به ۱۶۰۰ بیت می رسد».

به هر حال، خلیعی ناصبی و ناصبی زاده که به انگیره بستن راه بر زائران امام حسین علیہ السلام و غارت و کشتن آنان آمده بود، این گونه مورد عنایت و کرامت حضرت سیدالشهداء علیہ السلام قرار گرفت و در شمار شیعیان و مدافعان آن حضرت درآمد.



معرفت دو زائر^۱

عده‌ای همواره در تلاشند که صبر و پایداری خود در دین‌داری را تقویت کنند که نمونه‌های آن را در برخوردهای روزمره خود شاهدیم، از آن جمله اخیراً شخصی برایم نقل کرد که همراه کاروانی برای زیارت امام حسین علیه السلام به کربلا سفر کرده بودم. در میان کاروانیان دو نفر بودند که رفتاری کاملاً متضاد با یکدیگر داشتند؛ زیرا یکی از آنان در تمام مدت تقریباً دو روز اقامت ما در کربلا با وجود گرمای شدید و سوزنده تیرماه، آب ننوشید و با پای برهنه رفت آمد می‌کرد و هنگامی که علت این کار را از او جویا شدیم، گفت: «این کار من به این جهت است که امام حسین علیه السلام در این شهر با لب تشنه شهید شدند. لذا به عنوان همدردی با آن حضرت و خاندانش، آب نمی‌نوشم». تا اینکه از کربلا خارج شدیم. البته او با این کار به شدت ناتوان شده بود. به عکس زائر دیگری هم در کاروان ما بود که به همه چیز اشکال می‌گرفت؛ به غذاهای خوبی که مورد قبول همه کاروانیان بود، به مسئولان کاروان اعتراض می‌کرد و از کیفیت آن گله‌مند و ناراضی بود که چرا از این نوع غذا داده‌اند؟ یا چرا کم است یا چرا فلان غذا را نداده‌اند و...؟

(۱۰۶)

۱. گنجینه درس‌ها و حکایت‌ها، ص ۳۰۸.



همچنین این شخص هنگامی که به حرم امام حسین علیه السلام می رفتیم، مشغول تماشای سقف، دیوار و کاشی های حرم و طلاها و نقره های به کار رفته در آن می شد و در آن فضای ملکوتی تا این اندازه سطحی می اندیشید.

«باید امتحان وجود داشته باشد تا واقعیت افراد آشکار شود».

مقدس اردبیلی رحمته الله علیه و شستن لباس زائر^۱

از حسن باطن و رفتار اجتماعی مقدس اردبیلی قدس سره داستان هایی نقل می کنند که انسان شگفت زده می شود. می گویند روزی در صحن مطهر حرم امیر مؤمنان علی علیه السلام راه می رفت که یکی از زائران - بدون آنکه بداند او چه شخصیتی است - پرسید آیا جای مخصوصی برای شستن لباس سراغ دارد؟ مقدس اردبیلی جواب داد من خودم آن ها را برایت می شویم! و با این کار نشان داد که هیچ عذر و بهانه ای نمی تواند مانع خدمت انسان به مومنان و زائران شود. این اقدام از حقیقت باطن پاک این مرد کم مانند پرده برمی دارد. او لباس های مرد زائر را شست و در زمانی که قرار بود آن ها را تحویل او دهد، برایش برگرداند.

یک نفر که مقدس را می شناخت این صحنه را مشاهده کرد. به

(۱۰۷)

۱. گنجینه درس ها و حکایت ها، ص ۳۱۱.



اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر / ◇

زائر گفت می دانی چه کسی لباس های تو را شسته است؟ او بزرگترین مرجع تقلید است! مرد شروع به عذرخواهی کرد.

مقدس اردبیلی گفت: نه، تو بر من فضیلت داری، چون تو از زوار امیر مؤمنان علی علیه السلام هستی.

می گویند امام علیه السلام هم این پاداش را به مقدس داده بود که هر وقت می خواست به زیارت برود او را می پذیرفت؛ زیرا درها خود به خود و بدون هیچ کلیدی برایش باز می شد. راستی که عجب قداست و فضیلتی، و چه پاکی و منزلتی!

جزای بی احترامی به زائر امام حسین علیه السلام

چندی پیش یکی از برادران عراقی نقل می کرد در یکی دو سال قبل از سقوط نظام بعثی نسبت به کسانی که پیاده به سمت کربلای معلا می رفتند سخت گیری فوق العاده ای اعمال شده بود و اگر کسی را به این جرم می گرفتند او را به زندان می فرستادند و شکنجه و چه بسا اعدام می کردند.

روزی گشتیان بعثی های ظالم به نوجوانی ده — دوازده ساله برخوردند و حدس زدند او را برای راهنمایی زوار پیاده در آن مکان

(۱۰۸)

۱. گنجینه درس ها و حکایت ها، ص ۳۳۴.



گماشته‌اند. البته حدسشان نیز درست بود و این کودک زائران پیاده را برای استراحت و پذیرایی نزد قبایل اطراف می‌برد یا دست کم راه را نشان‌شان می‌داد. ماشین گشت با دیدن آن کودک ایستاد و یکی از آن‌ها از آن کودک بازجویی کرد و به گونهٔ آن کودک که سخت ترسیده بود سیلی محکمی زد. چند لحظه بعد که سرباز می‌خواست سوار ماشین شود، قنداق اسلحه‌اش به ماشین گیر کرد و ماشه‌اش به سمت خود او شلیک شد و در جا مُرد.

خدای متعال با ماجرای سیدالشهدا علیه السلام به نحوی استثنایی برخورد می‌کند و کسانی را که در این مسیر مانع تراشی و کارشکنی می‌کنند، به سرعت مجازات خواهد کرد.

شرم از امام حسین علیه السلام^۱

در کربلای معلی یکی از مؤمنان بود که هنگام خواندن زیارتنامه حضرت سیدالشهدا علیه السلام به یکی از عبارات که می‌رسید آن را نمی‌خواند و می‌گفت من از امام حسین علیه السلام شرم دارم که هنگام سخن گفتن با ایشان دروغ بگویم. آن عبارت این بود:

«عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ؛ من غلام و غلام‌زادهٔ توام».



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

آن مؤمن می گفت خود را در مقام غلامی امام حسین علیه السلام نمی بینم و لذا موقعی که به این عبارت می رسم نمی توانم آن را بر زبان آورم. «در اینجا به درستی عمل این شخص کاری نداریم. آنچه در این ماجرا بیش از هر چیز شایان دقت است، توجه و آگاهی او نسبت به این معناست که او در حال مکالمه با امام معصومی است که سخن او را می شنود و سلام او را پاسخ می گوید».



گلوژه‌های اربعین مقدس حسینی

- بنده بنا به وظیفه شرعی دعاگوی همه زائران هستم و از ایشان قدردانی می‌کنم.

- یکی از استثنائاتی که خدای متعال برای امام حسین علیه السلام قرار داده، فضیلت بی‌مانند پیاده رفتن به زیارت بارگاه مطهر ایشان است.

- سعی کنید در مسیر پیاده روی زیارت اربعین امام حسین علیه السلام به سفارش چهار امام معصوم علیهم السلام که محاسبه نفس است، اهمیت بدهید و هر روز برای دقایقی: اعمال شبانه روز گذشته را از نظر بگذرانید.

- در تمام مشاهد مشرفه کربلا اگر حالی دست داد برای فرج و ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و همین‌طور برای همه گرفتاران شیعه - به ویژه شیعیان منطقه و همه مظلومان جهان - دعا کنید؛ زیرا چنین حالی به اجابت نزدیک است و علی‌الخصوص از زائران حضرت سیدالشهداء علیه السلام که امید است مورد نظر خدای تعالی قرار گیرد.

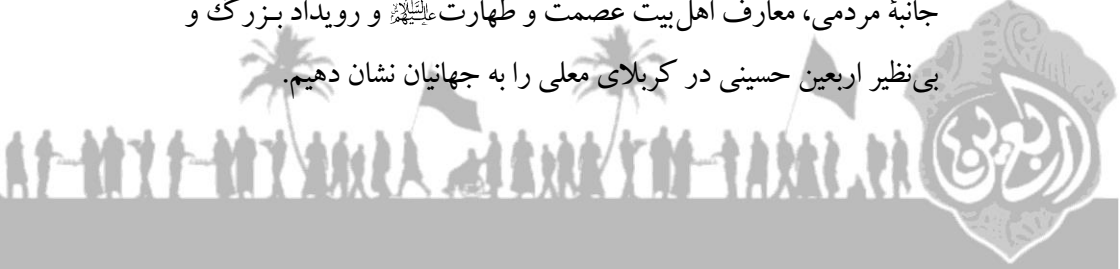


- اربعین حسینی در کربلای معلی، رویداد بزرگی است که به طور قطع و یقین در سرتاسر کره زمین بی مانند و بی نظیر است. این عظمت استثنائی است که خدای متعال به امام حسین علیه السلام عنایت نموده.

- هر جای دنیا که هستید، در بلاد کفر، در بلاد اسلامی، در کشورهای شیعی، هر جا که هستید باید در پی اطلاع رسانی رویداد عظیم اربعین حسینی در کربلای معلی به جهانیان باشید. این وظیفه شماست که ایمان به خدا، رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام دارید و از آنها اطاعت می کنید.

- امام حسن عسکری علیه السلام یکی از علامات مؤمن را «زیارت الاربعین» توصیف کرده اند، در حالی که این چنین توصیفی برای اربعین دیگر امامان معصوم علیهم السلام فرمودند و آن را از اختصاصات حضرت سیدالشهداء علیه السلام بر شمرده اند.

- بیایید با گسترش شبکه های ماهواره ای شیعی و حمایت های همه جانبه مردمی، معارف اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و رویداد بزرگ و بی نظیر اربعین حسینی در کربلای معلی را به جهانیان نشان دهیم.



- هیئت های پیاده که سختی های فراوانی را در راه برگزاری مراسم اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام در کربلای معلی بر خود هموار می کنند، توجه داشته باشند که دسته های عزاداری موجود، ادامه دستۀ آن سوگواری ای است که حضرت سجاد، زینب کبری، ام کلثوم و دیگر افراد خاندان حضرت سیدالشهداء علیهم السلام برپا کرده اند و در روز اربعین آن حضرت، خود را به کربلای معلی و کنار تربت پاکش رسانیدند.

- خدمات و زحماتی که در راه برگزاری اربعین امام حسین علیه السلام صورت می گیرد پاداشی فوق العاده دارد و از حد تصور ما بیرون است و تنها خدای متعال می تواند اجر عزاداران حسینی را بدهد و حقشان را ادا نماید.

- معصومین علیهم السلام نخستین انگیزه آفرینان، برای برگزاری شعائر حسینی، از جمله زیارت اربعین بودند و به پیروی از این بزرگان، مراجع تقلید و فقهای شیعه جامع شروط تقلید، مانند علامه سید بحر العلوم از صدها سال قبل بدین امر نیز فرا خوانده و می خوانند.



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

- اجر و ثواب کسی که به زائر امام حسین علیه السلام خدمت کند، از خود زائر بیشتر است.

- بزرگداشت این مراسم حسینی، پیاده روی روز اربعین، سبب هدایت و مستبصر شدن بسیاری از فرهیختگان و تحصیل کردگان غیرمسلمان شده است. لذا بنده بنا به وظیفه شرعی دعاگوی همه زائران هستم.

- تشکر می کنم از تمام افرادی که زمینه حضور چندین میلیونی زائران در شعائر مقدس اربعین حسینی را فراهم کرده، و به نحوی در این امر شریک و سهیم بودند. خدای متعال اراده فرموده این شعائر مقدس، در دنیا و آخرت مقدس باشد.

- باید بر پایه مسئولیت ها و توانمندی ها تبلیغ شود تا قدسیت سرزمین کربلا و قدسیت شعائر مرتبط با آن برای جهانیان روشن گردد.

- خدمت به زائران امام حسین علیه السلام مقدس است و این امور هر جا که باشد تماماً شعائر خداست، چرا که تجلیل از امام حسین علیه السلام است. و در نتیجه تجلیل از اسلام، تجلیل از رسول خدا صلی الله علیه و آله، و تجلیل از خدای متعال است.



- خدای عزوجل از زیارت امام حسین علیه السلام، زائر و هر چه با آن مرتبط است تجلیل فرموده است.

- جوانان باید بی تفاوت نبوده و هر چه در توان دارند در ایام اربعین حسینی به کار گیرند و در این مسیر به امام حسین علیه السلام و زائران حضرت وفاداری و فداکاری خود را در خدمت رسانی نشان دهند.

- جوانان باید از حکومت ها بخواهند که برای رفاه زائران همه گونه تسهیلات و خدماتی فراهم نمایند و در این زمینه همکاری کنند تا اگر در جایی یک مشتاق زیارت امام حسین علیه السلام وجود داشته باشد بتواند به زیارت حضرت برود. و مطمئن باشند که این همکاری ها موجب خیر دنیا و آخرت آنان خواهد شد.

- روز اربعین امام حسین علیه السلام باید روز اتحاد و همبستگی مومنان و برحذر بودن از فتنه انگیزی دشمنان و منافقان باشد.

(۱۱۵)

- امام حسین علیه السلام جان خویش و بهترین افراد خاندان و یاران خود را برای خدا و اسلام فدا کردند و خدای متعال به پاس آن فداکاری و



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

شهادت، شفا را در تربت، امامت را در ذریه و نسل و استجابت دعا را زیر قبه حضرت قرار داد و این ها همه، هدیه الهی به حضرت سیدالشهداء علیه السلام است.

- اربعین مقدس حسینی نماد پیروزی جاودانه اسلام اصیل بر اسلام ساختگی و دروغین است.

- اگر این سیل انسانی که در سال های اخیر در زیارت اربعین امام حسین علیه السلام به ویژه حرکت سیل آسای زائران با پای پیاده به سوی کربلای معلی به جهانیان عرضه و تفسیری بایسته و شایسته از آن ارائه شود و جهانیان خود شاهد این حرکت باشند و این نوع از فداکاری در زیارت را ببینند، غالب مردم تحت تأثیر آن قرار خواهند گرفت، زیرا آنان از عقل و وجدان برخوردارند و افراد معاند که حق را می بینند، ولی همچنان عناد و لجاجت می ورزند بسیار اندکند. قرآن کریم درباره اینان می فرماید: ﴿وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ﴾^۱ و آن را انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند.



- یک زائر امام حسین علیه السلام در موسم اربعین مقدس حسینی که وارد عراق می شود به تأمین آب و غذا و مکان برای استراحت نیاز ندارد و تا روز اربعین میهمان شیفتگان امام حسین علیه السلام است. نه دولتی مسلمان، نه تاجری و نه ثروتمندی این خدمات را به طور کامل بر عهده می گیرد. البته اندکی از تاجران در این امر سهیم هستند، ولی عمده هزینه ها بر عهده فقراست.

- مردم عراق از جمله هزاران انسان با درآمد کم و تا حدی نیازمند از بوته امتحان الهی به نیکی برآمدند و خوش درخشیدند، چراکه در راه امام حسین علیه السلام و احیای شعائر مقدس آن بزرگ، خانه و کاشانه و ماشین خود را که منبع درآمد و کسب روزی شان بود فروخته اند هزینه زائران امام حسین علیه السلام کرده اند.

- در دوره متوکل وضعیت به گونه ای بود که امکان بردن بازداشتی ها به مرکز وجود نداشت، لذا در کنار قبر مطهر امام حسین علیه السلام اتاقک هایی برای زندانی کردن زائران ساخته بودند. با تمام این وصف ها، یک مورد هم نمی توان یافت که ائمه اطهار علیهم السلام از رفتن به زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام نهی کرده باشند.



اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر / ◇

- بیست و اندی سال قبل رژیم بعثی در عراق با هواپیماهای جنگی به زائران امام حسین علیه السلام که پیاده عازم زیارت آن حضرت بودند حمله کرد و کشتاری وحشتناک به راه انداخت و نتیجه این شد که امروزه جمعیتی حدود سی میلیون در مراسم اربعین حسینی راهی کربلا می شوند. این همان فرموده رسول اکرم صلی الله علیه و آله و اراده تکوینی خدای متعال درباره امام حسین علیه السلام و قضیه اوست.

- فقهای شیعه در مسأله حج برآنند که برای رفتن به حج، امنیت راه و سفر شرط است و اگر محدودیت و مشکلی پیش روی حاجی باشد، با میلیاردی بودن هم استطاعت حاصل نمی شود و اگر در شرایط نا امن انسان به مکه برود و با هیچ مشکلی رو به رو نشود - به فرموده فقها - حجش باطل است، اما در سفر کربلا دست و پای زائران را قطع می کردند و آنان را می کشتند، ولی امامان معصوم علیهم السلام رفتن به این سفر را تشویق می کردند.



دست نوشته های حضرت آیت الله العظمی شیرازی به مناسبت اربعین حسینی ۱۴۳۷هـ ق

- اربعین حسینی عاشوراء روز جهانی لیک گویی ملت ها به مددخواهی
امام حسین عاشوراء است.

الزيارة الاربعينية المقدسة
لهي اليوم العالمي لتبعية الشعوب
للاستعمار الكيدي عليهم السلام
صهره الزاري



- زیارت مقدس اربعین یادآور سخن امام حسین عاشوراء است که فرمودند:

(۱۱۹)

«سیره جدم محمد و پدرم علی بن ابیطالب عاشوراء را در پیش بگیرم».

این سیره راستین آن بزرگواران حتی یک کشته سیاسی و زندانی



اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر / ◇

سیاسی نداشت؛ سیرہای که در تاریخ بشری ماندی نداشته است و ندارد.

زِیَارَةُ الْأَرْبَعِينَ الْمُقَدَّسَةِ تَذَكُّرُ لِقَوْلِ الْأَمَامِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) :
(أَسِيرٌ بِسِرٍّ جَدِّي وَأَبِي عَلِيٍّ بِنَا أَلْبَطَالِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَسَلَّمَ)
وسیرت را - منتهی - نغمه‌ای حتی من قتل سیاسی را، و سجد
سیاسی را، و هذه فريدة في التاريخ البشري حتى هذا اليوم

- زیارت مقدس اربعین مناسبتی است برتر برای فراهم آوردن
توانمندی همگان به منظور تحقق بخشیدن به والاترین و بالاترین هدف
امام حسین عليه السلام یعنی حرکت کردن در مسیر جدش رسول خدا صلى الله عليه وآله و
پدرش حضرت امیر مؤمنان عليه السلام.

زِیَارَةُ الْأَرْبَعِينَ الْمُقَدَّسَةِ مُنَاسِبَةٌ فَضْلًا لَتَكْرِيسِ الطَّاقَاتِ مِنَ الْجَمِيعِ
مَنْ أَجَلَ تَحْقِيقِ الْمَهْدَفِ الْأَسْمَى لِلْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْسَّيْرِ بِسِرٍّ جَدِّهِ
وَأَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) دَلَّاهَا الْمَعْلَمَةُ وَالسَّلَامُ

- زیارت مقدس اربعین یاری و پیروزی آزادی در برابر ظلم و استبداد
و خودکامگی است.

زِیَارَةُ الْأَرْبَعِينَ الْمُقَدَّسَةِ لُحْزَةُ الْحَرَبَةِ عَلَى الْعَوْرَةِ وَالْإِسْتِبدَالُ



- اربعین مقدس امام حسین علیه السلام بهترین فرصت برای شروع اتحاد و همبستگی شیعیان در هر جا و هر عرصه و زمینه است.

الأربعین الحُسَینِی (علیه السلام) المقدَّس طُرُقُ مَنْطِقِ لَوْحِ الصِّفِّ السَّیِّ
فِي كُلِّ مَكَانٍ وَعَلَى جَمِیعِ الْأَصْعَدَةِ

- زیارت مقدس اربعین فرصتی بزرگ برای آماده سازی و به کارگیری جوانان مؤمن و غیور است که با تمام تلاش، ابعاد حکومت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام را بررسی و مطالعه کنند و آن را در سراسر گیتی نشر دهند.

رِیَازَةُ الْأَرْبَعِیْنِ الْمُقَدَّسَةِ فُرْصَةٌ عَظِیمَةٌ لِعَبَائَةِ السَّابِقِ الْمُؤْمِنِ وَالْعَلَوِ
كُلِّ الْمَجْهُودِ فِي سَبِيلِ رِیَاسَةِ الْعِبَادَةِ رِیَاسَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَنُشْرَافِهَا عَلَى الْأَفْقِ الْعَالَمِيِّ

- اربعین مقدس حسینی نماد پیروزی جاودانه اسلام اصیل بر اسلام ساختگی و دروغین است.

رِیَازَةُ الْأَرْبَعِیْنِ الْمُقَدَّسَةِ انْتِصَارُ رِیَاسَةِ الْإِسْلَامِ الْحَقِیقِيِّ عَلَى الْإِسْلَامِ الْمُرْتَفِ



پیام قدردانی آیت الله العظمی شیرازی از تمام شرکت کنندگان در برگزاری مراسم اربعین حسینی ۱۴۳۷ق

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی مدظله العالی با صدور پیامی از حوزه های علمیه، تمام فرهیختگان گرامی، عشایر غیرتمند عراقی، هیئت ها و موکب های خدمت رسان، شبکه های ماهواره ای و تمام مؤمنان به پاس خدمات بی شائبه و گسترده ای که برای احیا و برگزاری مراسم زیارت اربعین حضرت سیدالشهداء علیه السلام ارائه کردند، قدردانی و تشکر نمودند.

ترجمه متن پیام معظم له به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و سپاس، خاص پروردگار جهانیان است. و درود بر سرور اولین و آخرین حضرت محمد مصطفی ﷺ و خاندان پاک او باد و تا روز واپسین لعنت خدا بر دشمنان شان - که دشمنان خدايند - باشد.

(۱۲۲) اینجانب در مقام بندگی به پاس توفیق همگان و یاری حضرت باری تعالی، در برگزاری مراسم مقدس اربعین امام حسین علیه السلام در کربلای



معلى با تمام شكوه و عظمت، شكر گزار پيشگاه حضرتش هستم. همچنين خالصانه به ساحت اقدس سرور و سيدمان حضرت بقیة الله، امام زمان عجل الله تعالی فرجه به جهت هدايت و نظارت شان بر اين موسم زيارتى بزرگ و زائران جد مظلوم و شهيدشان امام حسين عليه السلام عرض تشكر دارم. همچنين از روى وظيفه از تمام كسانى كه اين توفيق بزرگ يارشان شد و توانستند مراسم اربعين را در تمام ابعادش تحقق بخشند تشكر مى كنم. از حوزه هاى علميه در عراق و ساير كشورها، تمام فرهيختگان گرامى و عشايير غيور عراقى كه از انقلاب ظفرمند مردم عراق در سال ۱۹۲۰م تا امروز كه حمايت كننده مرجعيت رشيده مى باشند، در هر زمينه پشتوانه اهل بيت عليه السلام بوده و هستند، و همواره مانند نياكان ارجمندشان بى دريغ فداكارى كرده و در اين راه ثابت قدم مانده اند و همچنين از مسئولان مخلص كه در هر زمينه اى فعال و مشغول هستند قدردانى مى كنم.

همچنين از همه مردان و زنان عراقى كه در سراسر عراق در راه تأمين تمام نيازهاى زائران عزيز همه دارايى هاى ارزنده خويش را انفاق كردند؛ به ويژه از آن هاى كه زائران گرامى را بر خود مقدم داشته و ايتار گرانه از آنچه خود بيشتر احتياج دارند، در جهت تأمين انواع خدمات و گستراندن سفره هاى بزرگ اطعام كه به صدها كيلومتر مى رسيد و در تاريخ مانند آن ياد و ثبت نشده است، استفاده كردند، تشكر مى كنم.

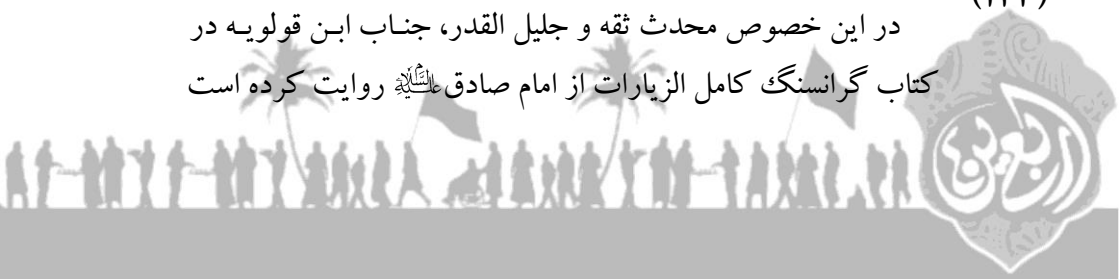


و همچنین از پوشش فراگیر مراسم اربعین حسینی از سوی شبکه‌های ماهواره‌ای موفق و رسانه‌های جمعی پیرو اهل بیت علیهم‌السلام تشکر می‌کنم؛ چرا که هزاران تصویر و صحنه‌های شکوهمند که در تاریخ بی‌نظیر است را به سراسر گیتی منتقل کردند، در حالی که خبرگزاری‌ها و رسانه‌های جهانی که تجمع‌های بی‌ارزش و چند نفری را در گوشه و کنار جهان گزارش و پوشش می‌دهند، این همایش عظیم میلیونی را نادیده گرفتند. آنان بدانند که این بی‌توجهی ستمگرانه و نادیده گرفتن‌ها حتماً و قطعاً سبب خواهد شد که در آینده‌ای دور یا نزدیک جمعیت‌های میلیاردی به سوی امام حسین علیه‌السلام جذب شوند و از این رهگذر باعث گرایش به جدشان حضرت محمد مصطفی، پدرشان حضرت علی مرتضی، مادرشان حضرت فاطمه زهرا و برادرشان امام مجتبی و فرزندان‌شان حضرات ائمه اطهار علیهم‌السلام خواهند گردید.

اما آنچه درباره زائران آن حضرت از مرد و زن، کوچک و بزرگ، به ویژه زائرانی که پیاده به کربلا می‌روند و به چنین شرافت بزرگی نائل شده‌اند، در خور توجه می‌باشد این است که آنان را همین بس که ائمه اطهار علیهم‌السلام برای سعادت‌مند شدن‌شان در دنیا و آخرت و برآمدن حاجت‌ها و گشایش در کارهای‌شان دعا می‌کنند؛ و این زائران کسانی هستند که فرشتگان خدا سلام رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به یکایکشان می‌رسانند.

(۱۲۴)

در این خصوص محدث ثقه و جلیل‌القدر، جناب ابن قولویه در کتاب گرانسنگ کامل الزیارات از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است



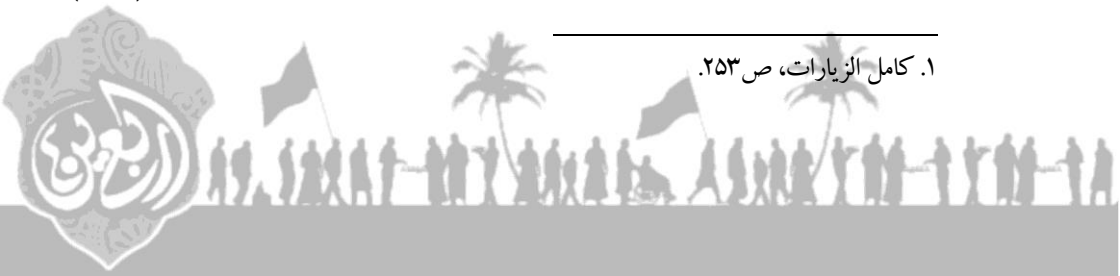
که فرمودند: «من خرج من منزله يريد زيارة قبر الحسين بن علي عليه السلام... حتى إذا أراد الإنصراف أتاه ملك فقال: إن رسول الله ﷺ يقرؤك السلام؛^۱ اگر کسی به عزم و قصد زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام خانه خود را ترک کند و پیاده [به سوی کربلا] برود... چون بخواهد برگردد، فرشته‌ای نزد او آمده به او می‌گوید: رسول خدا ﷺ تو را سلام می‌رساند».

در پایان به تمام کسانی که با دل‌های پاک و اعمال صالح و جان‌های پیراسته مراسم مقدس اربعین حسینی را به پایان رسانده‌اند تأکید می‌کنم که هر کس در حدّ توان خود برای تحقق بخشیدن به اهداف والای امام حسین علیه السلام همه توان خود را بکار گیرد؛ اهدافی که در روایات حضرات معصومین علیه السلام آمده و آن، نجات بندگان خدا از نادانی، سرگستگی، گمراهی، کوردلی، شک و تردید است.

لذا باید به جذب جوانان اعم از دختران و پسران فوق العاده اهمیت داده شود، باشد که عراق، به عنوان سرزمین اهل بیت علیه السلام و دیگر سرزمین‌های مؤمنان، به نمونه‌های رفیع و الگوهایی مترقی بدل شوند تا در اعتقادات محکم، اخلاق والا و عمل صالح پیروی شوند، والله هو المستعان.

۲۱ ماه صفر ۱۴۳۷ ق

صادق الشیرازی



پیام حضرت آیت الله العظمی شیرازی به مناسبت اربعین حسینی ۱۴۲۵ اق

بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش مختص ذات خداست و درود خدا بر برترین آفریدگان،
حضرت محمد مصطفی ﷺ و خاندان پاک او، و لعنت خدا بر
دشمنان این پاکان تا روز واپسین باد.

در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام درباره زیارت امام
حسین علیه السلام در روز اربعین آمده است:

پنج چیز نشانه مؤمن است: پنجاه و یک رکعت نماز روزانه (۱۷)
رکعت واجب و ۳۴ رکعت نافله، زیارت [امام حسین علیه السلام] در اربعین،
انگشت در دست راست کردن، [به رسم بندگی] پیشانی بر خاک
ساییدن و با آواز بلند بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.^۱

در اربعین با عظمت حسینی انتظار می رود میلیون ها انسان مؤمن از
سراسر عراق و دیگر کشورها در سرزمینی که خدایش مقدس
گردانده و آن را آفریده تا برترین نقطه بهشت^۲ باشد، گرد آمده، به

(۱۲۶)

۱. شیخ مفید، المزار، ص ۵۴.

۲. در حدیثی امام باقر علیه السلام فرموده است: خدای تبارک و تعالی ۲۴ هزار سال پیش از



فیض زیارت حضرت امام حسین علیه السلام نایل آیند؛ زیارتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام همواره به آن فرا خوانده اند. احادیث متواتری در این باب وجود دارد، از آن جمله روایتی است که کتاب های حدیث از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یکی از همسران خود فرمودند: هر کس او (حسین) را زیارت کند، خدای عزوجل حجّی از حج های من برای او می نویسد.

پرسید: حجّی از حج های شما [ای رسول خدا]؟!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: آری دو حج از حج های من.

پرسید: دو حج از حج های شما؟!

فرمودند: آری، چهار حج از حج های من.

همسر پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان پاداش زائر امام حسین علیه السلام را زیاد می خواند و پیامبر صلی الله علیه و آله بر شمار آن می افزودند تا اینکه پاداش زائر سیدالشهداء علیه السلام را با نود حج و نود عمره خویش برابر خواندند.^۱
در این مناسبت مهم، هیئت های عزاداران سیدالشهداء علیه السلام سواره و

→

آفرینش کعبه، کربلا را آفرید و آن را مقدس و مبارک گردانند. قداست و با برکت بودن آن از زمان آفرینش همچنان پابرجاست تا اینکه خدا آن را بهترین زمین بهشت و برترین منزل و مسکنی قرار دهد که اولیای خدا در بهشت در آن جای گیرند. (ر.ک: کامل الزیارات، ص ۴۵۰، حدیث ۶۷۷).

۱. همان، ص ۱۴۴.



پیاده از سراسر عراق و از کشورهای دیگر به کربلای معلی می آیند تا مراسم سوگواری آن حضرت را - که از مصادیق شعائر الهی است - برگزار کرده، این مصیبت بزرگ را که در این سرزمین بر عترت پاک و یاران خجسته آنان رفته، به ساحت اقدس رسول خدا ﷺ، امیر مؤمنان حضرت علی ﷺ، صدیقه کبری فاطمه زهرا ﷺ، دیگر امامان معصوم ﷺ و به ویژه صاحب این عزا - در این زمان - حضرت بقیه الله الأعظم امام زمان ﷺ تسلیت گویند که همانا این شعائر تماماً مصداق احیای امر اهل بیت ﷺ است که در روایت به آن اشاره شده است.

امام صادق ﷺ به زنده نگاه داشتن امر (قضیه) اهل بیت ﷺ فرمان دادند و برای احیا کنندگان این امر دعا فرمودند. در روایتی که در همین باب از آن حضرت رسیده، آمده است: «امر (قضیه) ما را زنده نگاه دارید، خدای رحمت کند کسانی را که امر ما را زنده نگاه می دارند»^۱.

در این مناسبت مهم، شایسته است همگان چند نکته را مورد توجه قرار دهند.

۱. دشمن کینه توز برای ملت مظلوم عراق دام گسترده و با به کارگیری انواع وسایل می کوشد تا اختلاف و فتنه مذهبی میان مردم به وجود آورد. پرواضح است که این اختلاف ها ناکامی و شکست همگان را به همراه



دارد. همچنین دشمن بدین وسیله راه را برای سلطه بخشیدن به گمراهی، انحراف، ستم و فساد در جامعه عراق هموار می کند. قرآن کریم از این اختلاف ها بازداشته و آثار شوم آن را باز گفته، چنان که می فرماید: ﴿...وَلَا تَنَارُ غَوَاً فَنَقُشُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...﴾^۱ و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید، و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود.

بنابراین، مرحله حساس و سخت فعلی می طلبد تا همگان صبوری و بردباری ورزند که خدای عزّ وجل در این باره می فرماید: ﴿...وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾^۲ و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

در حدیث شریف نیز با اشاره به جایگاه بردباری آمده است: «لَا عِزَّ أَرْفَعُ مِنَ الْحِلْمِ»^۳ هیچ عزّتی بلندمرتبه تر از بردباری نیست.

به گواهی تاریخ چنین فتنه هایی تمام اطراف نزاع را دچار سستی، ناکامی و شکست می کند، نیروها را به هدر می دهد، فرصت های طلایی را بر باد می دهد و در نهایت، دشمن مشترک آب را گل آلود کرده، از آن ماهی مراد خواهد گرفت.

۲. در این برهه حساس، وحدت کلمه مهم ترین وظیفه مؤمنان است



که تحقق آن مستلزم رعایت موارد زیر است:

کنار گذاردن نزاع‌های قبیله‌ای، منطقه‌ای، گروهی و ...، استحکام بخشیدن به صفوف، ایجاد اتحاد میان ملت بیدار و هشیار عراق و میدان ندادن به دیدگاه‌های تفرقه‌انگیز و جلوگیری از نفوذ آن در جامعه که به تفرقه و پراکندن صفوف به هم فشرده می‌انجامد. باید توجه داشت که چنین وضعیتی روند حرکت مؤمنان را در تحقق اهداف والای اسلامی متوقف می‌کند. از آنجا که خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿...إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ...﴾^۱ به یقین مؤمنان برادران [یکدیگر] هستند، پس میان برادران تن اصلاح دهید ﴿﴾ باید تمام ملت مسلمان عراق دست برادری به یکدیگر دهند.

۳. بر تمام طبقات امت است که با استفاده از رسانه‌های گروهی، مانند: رادیو، تلویزیون، مطبوعات، همایش‌ها و همچنین در دیدارهای فردی و اجتماعی خود بر ضرورت اسلامی بودن تمام مواد و اصول قانون - خواه قانون، موقت باشد یا دائمی - تأکید کنند، زیرا حاکمیت اسلام و گرایش به آن، سعادت دنیا و آخرت را تضمین و تأمین می‌کند که خدای عزوجل می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا



لَفْتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...^۱ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم.

و می فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا...^۲ و هر کس از یاد من دل برگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت.

عقلای قوم و فرزندگان جامعه مسئولیت دارند تا فتنه را پیش از فعال شدن و شعله کشیدن، در نطفه خفه کنند.

۴. شکل گیری حکومت عراق اسلامی در تمام عرصه ها باید مبتنی بر اکثریت آرا باشد، زیرا اکثریت در سایه قانون اساسی اسلامی پیرو آموزه های قرآن کریم، سنت پیامبر ﷺ و سیره امامان معصوم علیهم السلام بوده و حتی به یک تن از اقلیت ها ستم روا نمی دارد. به گواهی همین تاریخ، هیچ یک از اقلیت ها و حتی دشمنان حکومت اسلامی و منافقان و حتی دشمنان بالاترین فرد حکومت، مورد ستم حکومت اسلامی قرار نگرفتند. در اینجا با ورق زدن تاریخ، چند نمونه از هزاران مورد داد گستری حکومت اسلامی را مرور می کنیم:



الف) کفاری کہ همچنان با اسلام و مسلمانان مکر می ورزیدند، با شخص پیامبر ﷺ دشمنی کرده، او را دروغ پرداز می خواندند و نسبت های ناروا به حضرتش روا می داشتند، در سایه حکومت رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در امنیت و آرامش و با آزادی و رفاه کامل زندگی می کردند.

تاریخ درخشان و تابناک سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیر مؤمنان علیه السلام در مدت حکومتشان، آکنده از نمونه هایی است که بر بهره گیری همگان از عدالت و نیکی آن بزرگواران دلالت دارد.

در هیچ منبع تاریخی نخواهیم یافت که حتی یک تن از این جماعت مورد آزار رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام قرار گرفته باشد، بلکه بنا به نقل تاریخ، اگر پیامبر اکرم ﷺ یکی از کافران را چند روزی نمی دیدند از یاران خود جویای حال وی می شدند و وقتی که درمی یافتند او بیمار و بستری است، به همراه چند تن از صحابه به عیادت او می رفتند.^۱

ب) مسائل اقتصادی و تأمین امور معیشتی اقلیت ها مورد اهمیت امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام بود. در زمان حکومت آن حضرت، حتی یک مستمند غیر مسلمان فقیر رها نمی شد و امام علیه السلام نیازهای معیشتی او



را برطرف می نمودند. به عنوان مثال، آن حضرت روزی فقیری مسیحی را دیدند که گدایی می کرد. این پدیده نامأنوس را نکوهش کرده، و دستور دادند تا از بیت المال، زندگی او را تأمین کنند^۱.

ج) امیرمؤمنان علیه السلام در همان آغاز حکومت خود، قضاوت اسلامی را بر حاکم و فرد اول مملکت و فردی عادی از اقلیت ها به یکسان اعمال نمودند. در تاریخ آمده است علی علیه السلام زره [گم شده] خود را در دست مردی مسیحی دیدند. او را نزد قاضی شریح (که خود او را به این منصب گمارده بودند) آوردند و علیه او شکایت کرده، اظهار نمودند که: این زره، از آن من است. نه آن را فروخته ام و نه بخشیده ام.

قاضی رو به مرد مسیحی کرد و گفت: امیرمؤمنان چه می گوید؟
مرد گفت: این زره از آن من است.

قاضی رو به امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام کرد و گفت: ای امیرمؤمنان! آیا شاهد و گواهی اقامه می کنید؟

حضرت علی علیه السلام فرمودند: نه. و بدین ترتیب قاضی، زره را به مرد مسیحی داد.

آن مرد چند گامی دور شد و سپس بازگشت و گفت: من گواهی می دهم که این [گونه حکم کردن] شیوه قضاوت پیامبران است که



می بینم امیرمؤمنان مرا نزد قاضی خود آورده و علیه او حکم صادر می کند. گواهی می دهم که خدا، یگانه است و شریکی ندارد و محمد بنده و پیامبر اوست. ای امیرمؤمنان! این زره از آن توست.

امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: حال که مسلمان شدی زره برای تو باشد!.^۱
حکومت عدالت گستر اسلام همین است که اگر - ان شاء الله - در عراق پیاده شود، دنیا را برای همگان و حتی اقلیت هایی که اسلام را قبول ندارند، بهشت خواهد کرد.

د) امیرمؤمنان علیه السلام در دوران حکومت خود اجازه ندادند سهم کسانی که در جنگ با حضرت شکست خوردند، از بیت المال قطع شود، بلکه در آن زمان از اینکه این افراد «منافق» خوانده شوند نهی فرمودند. این در حالی است که آنان بارزترین مصداق «منافق» بودند که روایات متواتری به این مطلب اشاره دارد، از جمله فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام است که فرمودند: «لا یبغضک إلا منافق»^۲ جز منافق کسی به تو کینه نمی ورزد».

ه) گذشت از شکست خوردگان در جنگ، جنگ افروزان و فتنه انگیزان تا آنجا که به زیان اسلام و حاکمیت نبود، از دیگر



ویژگی های حکومت امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام بود. پس از به پایان رسیدن جنگ های: جمل، صفین و نهروان و پیروزی امیرمؤمنان بر جنگ افروزان، ایشان با اینکه می توانستند تمام آنان را از دم تیغ بگذرانند، این کار را نکردند بلکه از هرگونه کیفر، یا محرومیت از هرگونه حقی نسبت به آنان خودداری نمودند.

۵. زن و جایگاه او در اسلام از موضوع های مورد توجه اسلام و حاکمیت اسلامی است. تمام قوانینی که در گذشته ها و امروز برای رعایت احترام و تعیین جایگاه زن وضع شده، هرگز با آنچه اسلام برای زن و حقوق او قرار داده، توان برابری ندارد. با بررسی اجمالی برخی احکام و موضع گیری های مثبتی که اسلام درباره زن دارد، به حقیقت توجه اسلام به زنان پی می بریم:

- تأمین معیشت زنان

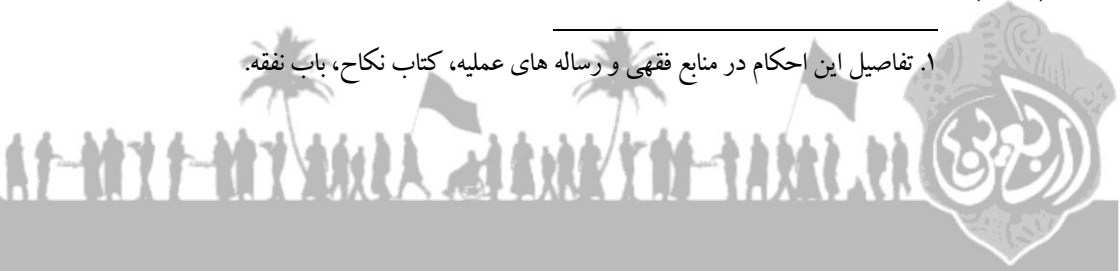
اسلام، نیازهای مالی زن را در تمام مراحل زندگی اش تضمین کرده است. از این رو تا هنگامی که در خانه پدر است، پدر و مادر باید هزینه زندگی او را تأمین کنند، چون به خانه همسر برود تأمین زندگی او بر عهده همسر است و سپس به عنوان یک مادر، فرزندان [پسر]



عہدہ دار تأمین زندگی او هستند.^۱

این تضمین اجتماعی و اقتصادی فراگیر، بیشترین آرامش و آسایش و همچنین احساس خوشبختی و مورد تکریم بودن را در زن به وجود می آورد که در صورت کندوکاو در قوانین وضعی گذشته و حال، چنین حرمتی و جایگاه اجتماعی و اقتصادی بزرگی برای زن نخواهیم یافت.

در مورد ارث و دیه نیز اسلام حق زن را رعایت نموده و همچنان که با مردان انصاف ورزیده، در حق زنان نیز با در نظر گرفتن ساختار عاطفی و روانی زنان و آن سان که سزاوار است رعایت انصاف کرده است. در مواردی مانند «کلاله امّی» زن به اندازه مرد ارث می برد. همچنین در مواردی زن به اندازه مرد «دیه» می گیرد، مانند موردی که مقدار دیه به یک سوّم مجموع دیه مرد نرسد. گاهی نیز زن نصف مرد ارث می برد و این در حالی است که نصف دیگر - در حال احتیاج، بلکه کل مخارج او - از طریق تأمین هزینه روزمره و نیازهای مادی در تمام دوران زندگی زن - آن سان که پیش تر گفته شد - تضمین می گردد.



- جایگاه والای زن در خانواده

دختر: اسلام زن را ارج نهاده و برای او منزلتی والا در نظر گرفته است. در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «مَنْ يَمْنُ الْمَرْأَةَ أَنْ يَكُونَ بَكْرَهَا جَارِيَةً»^۱ از خجستگی زن است که نخستین فرزند او دختر باشد». در حالی که چنین روایتی دربارهٔ فرزندان ذکور نیامده است.

همسر: زن به عنوان همسر یکی از موارد سفارش های فراوان و مؤکد اسلام است. قرآن کریم دربارهٔ خوش رفتاری با زنان می فرماید: ﴿...وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...﴾^۲ و با آنان به شایستگی رفتار کنید. این سفارش در حالی است که قرآن کریم زن را به خوش رفتاری با همسرش - هر چند که بر زن نیز واجب است - امر نکرده است.

در مورد حقوق اسلامی متقابل زن و مرد نیز می فرماید: ﴿...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَ بِالْمَعْرُوفِ...﴾^۳ و مانند همان [وظایفی] که بر عهدهٔ زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهدهٔ مردان] است.

مادر: نگاهی همراه با تعمق به این حدیث شریف، جایگاه بس

۱. المستدرک، ج ۱۵، ص ۱۱۱.

۲. سوره نساء، آیه ۱۹.

۳. سوره بقره، آیه ۲۲۸.



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

بزرگ و والای مادر را بر همگان روشن می کند، پیامبر اکرم ﷺ درباره مادر فرموده است: «الجنة تحت اقدام الأمهات»^۱ بهشت زیر پای مادران است».

خویشان [زن]: بیشترین سفارش های اسلام در قالب حدیث درباره خویشاوندان [زن] است. در روایات و احادیثی که درباره آنان آمده و تأثیر حیات بخشی که برای پیوند با آنان برشمرده است منزلت زن را می نمایند. به عنوان مثال در یکی از ده ها روایتی که در این باره آمده است می خوانیم: اجل مردی فرا رسیده بود. او به دیدار عمه اش رفت و پیوند خویشاوندی را به جای آورد، به پاس این کار بیست سال بر عمرش افزوده شد.^۲

- جایگاه اجتماعی زن

زن در فرهنگ اسلام و آموزه های شریعت از منزلت والا و جایگاهی رفیع برخوردار است. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در توصیف زن فرموده است: «المرأة ریحانة؛ زن [چونان] گل است». این تعبیر امام علیه السلام از زن بسیار دقیق و زیباست و با وجود احساسات

(۱۳۸)

۱. المستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۰.

۲. رجال کشی، ج ۲، ص ۷۴۲، حدیث ۸۳۱.



عاطفی و روانی و توان بدنی زن کاملاً منطبق است.
از این رو جامعه اسلامی باید در تمام عرصه های زندگی با زن، به عنوان «گل» رفتار کند.

- زن در نگاه حاکم اسلامی

با کندوکاوی در سیره پیامبر اسلام ﷺ و امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در دوران حکومتشان، به ارج نهادن آنان به زن و جایگاه والایی که زن در نظر حاکم اسلامی دارد، پی می بریم. در اینجا به نمونه هایی از سفارش پیامبر ﷺ درباره زنان اشاره می کنیم:

۱. آخرین سفارش ها

پیامبر اکرم ﷺ در واپسین لحظات زندگی سفارش هایی فرمودند که از آن جمله سفارش درباره زنان و مهربانی با آنان بود. امیرمؤمنان علیه السلام نیز در واپسین دم های زندگی با قرین گرداندن «خدا را، خدا را» با زنان، به اهمیت رعایت حقوق و حرمت زنان اشاره فرمودند و به ناظر دانستن خدا در مورد زنان دعوت می نمودند. آن حضرت فرمودند: «الله الله فی النساء، و فیما ملکتم ایمانکم، فإن آخر ماتکم به نبیکم أن قال:



◇ اربعین مقدس حسینی رویدادی بی نظیر /

أوصيكم بالضعفين: النساء وما ملكت أيمانكم؛^۱ خدا را، خدا را در مورد زنان و زیردستان [ناظر بدانید]. چه آنکه آخرین سخن پیامبر شما این بود: شما را درباره دو ضعیف [، به مهربانی ورزیدن] سفارش می‌کنم، زنان و زیردستان شما».

۲. سفانه دختر حاتم طائی

ماجرای این زن از این قرار است که او همراه کفار اسیر و به حضور رسول خدا ﷺ آورده شد. سفانه به پیامبر ﷺ عرضه داشت: «بر من منت گذار [و آزادم کن]، خدای بر تو منت نهد». پیامبر ﷺ فرمودند: آنچه خواستی همان است. صبر کن تا فرد مورد اعتمادی از قوم خود بیابی و او تو را به شهر و دیارت برساند و چون چنین کسی را یافتی مرا خبر کن. سفانه می‌گوید: مدتی در آنجا ماندم تا اینکه کاروانی از «قضاة» سر رسید.

به پیامبر گفتم: جماعتی از قوم من که مورد اعتماد نیز هستند رسیده‌اند. او تن پوشی به من داد و ره‌توشه‌ای برای من فراهم نمود و



خرج راه عطایم کرد و من با کاروانیان راهی دیار خود شدم.^۱
این ماجرا، رفتار محترمانهٔ پیامبر ﷺ را با زنی غیرمسلمان که
همراه کافران در حال جنگ با پیامبر ﷺ به اسارت درآمده است به
خوبی نشان می‌دهد.

۳. شیماء دختر حارث

شیماء دختر حارث، خواهر رضاعی (شیری) پیامبر ﷺ بود. در
تاریخ آمده است: در جنگ «هوازن» که بسیار سخت نیز بود، زنی نزد
پیامبر ﷺ رفت و گفت: ای رسول خدا! من خواهر رضاعی تو،
شیماء دختر حارث هستم....

پیامبر ﷺ ردای خود را برای شیماء گستراند و به او فرمودند: هر چه
بخواهی به تو داده می‌شود، شفاعت کن، شفاعت پذیرفته می‌شود.^۲
این ماجرا همانند ماجرای سفانه طائی است. زنی کافر همراه سپاه
کافران به جنگ رسول خدا ﷺ آمده است. پس از پیروزی همراه با
سختی مسلمانان و شکست سپاه کفار، این زن نزد پیامبر ﷺ می‌آید
به این امید که از عنایت آن حضرت بهره‌مند شود. پیامبر ﷺ با
بزرگواری او را مورد تکریم و احترام قرار داده، ردای خود را برای



نشستن آن زن می گستراند. این رفتار حاکم اسلامی در تاریخ ماندی نداشته و ندارد.

- نتیجه

جان کلام اینکه: اسلام زن را گرامی داشته، قدر و منزلت او را عزیز شمرده، شأن او را والا و عالی گردانده و به او اجازه داده است به تمام کارهایی که در خور کرامت و منزلت او و متناسب با ساختار او به عنوان زن است، پردازد و تنها دو مورد را استثنا نموده است:

یکی اینکه از کارهایی که ذاتاً با وی تناسبی ندارد، زیرا او را «گل» و ظریف خوانده است، دیگر آنکه به عنوان کالای کم بها در بازار بی بند و باری و کانون های فساد دست به دست گردد.

۶. جوانان امروز، مردان و زنان فردا هستند. این قشر غالباً سفارش شده پیامبر ﷺ و خاندان پاک او هستند.

امام صادق علیه السلام به ابو جعفر، معروف به «مؤمن طاق» درباره نوجوان ها و جوانان سفارش نموده، فرمودند: «علیک بالأحداث؛^۱ بر تو باد [به پرداختن] به نوجوانان و جوانان».

جوانانی مؤمن و نمونه گرد پیامبر ﷺ فراهم آمده، سر به فرمان حضرتش نهاده بودند، مانند: ابوذر، مقداد، عمار بن یاسر و جابر بن



عبد اللہ انصاری و ...

حضرتش پیش از هجرت به مدینه، سفیرانی به آنجا فرستادند و آنان، امنیت را حاکم و زمینه حضور پیامبر را در مدینه مهیا کردند که در جمع این سفیران، جوانانی مؤمن نیز دیده می شدند.

محضر امیر مؤمنان حضرت علی و دیگر امامان علیهم السلام نیز از وجود جوانانی مؤمن، پرهیزگار، قوی و فعال آکنده بود. آنان حقایق ایمان و احکام قرآن را به نسل های بعدی منتقل کردند.

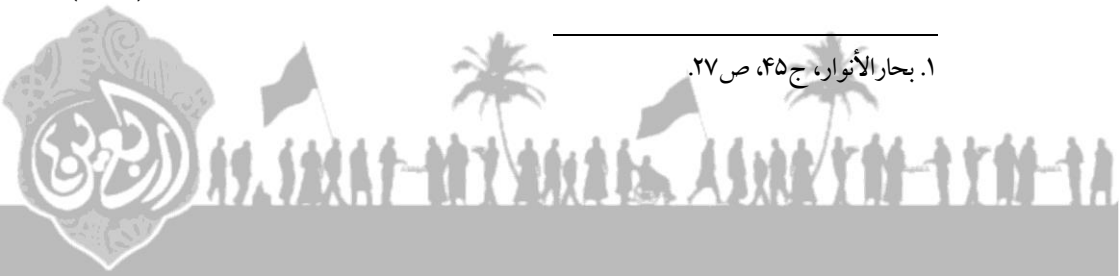
واقعۀ عاشورا شاهی دیگر بر این گفته است. گروهی از بهترین جوانان که برخی از آنان از خاندان رسالت بودند در کربلای معلی گرد وجود مبارک امام حسین علیه السلام گرد آمده بودند که از آن جمله: حضرت علی اکبر و حضرت قاسم بودند.

یکی دیگر از حاضران در رکاب سیدالشهداء علیه السلام جوانی بود که پدرش به شهادت رسیده بود و او این گونه رجز می خواند:

أمیری حسین ونعم الأمير سرور فؤاد البشیر النذیر^۱

امیر من حسین است و نیکو امیری است؛ او مایۀ شادمانی دل [پیامبر] مژده دهنده و هشدار دهنده است.

و هب بن عبد الله بن حباب کلبی و دیگران، دیگر جوانانی بودند که در رکاب سعادت آفرین حضرت سیدالشهداء علیه السلام حضور یافتند.



- جوانان در روزگار غیبت

در دوران غیبت حضرت امام زمان علیه السلام بسیاری توفیق زیارت آن حضرت را یافتند که در میان آنان جوانان پاکدامنی وجود داشته است، مانند: علی پسر مهزیار، محمود فارسی و

بنابراین اگر امروز جوانان را با تربیت صالح، هدایت حکیمانه، و راهنمایی به سوی فضیلت و راه راست مورد توجه خاص قرار دهیم و آن گونه که شایسته آنان است به آنان پردازیم، به یقین فردا و فرداها رهبرانی نیکو کردار، حاکمانی صالح و امانت دارانی مصلح از میان این قشر برخوانند خواست. البته برای رسیدن به نتیجه مطلوب تر و بهتر باید تمام طبقات امت اسلامی همّت گماشته در این راه همکاری و همدلی کنند.

پدران و مادران، کسان و خویشاوندان، قبیله و عشیره و تمام افراد جامعه باید توجه ویژه ای به جوانان داشته باشند و نسلی صالح و شایسته پرورش دهند تا بتوانند تمدّن و فرهنگ آینده را مبتنی بر فضیلت، پرهیزگاری، رفاه، خیر و عدل بیافرینند.

در پایان از حضرت احدیّت مسئلت دارم که امتّ مظلوم عراق را که چند دهه سیاه، سخت و بی رحم را پشت سر گذارده اند، یاری دهد، همه خوبی ها را به آنان ارزانی دارد و به آنان توفیق ساختن آینده ای روشن و مبتنی بر احکام اسلام بدهد تا زندگی ای آرام و توأم با سعادت داشته باشند.

والله المستعان

صادق الشیرازی

(۱۴۴)

۱۲ صفر ۱۴۲۵ ق — ۱۵ فروردین ۱۳۸۳

